

تایخ متدن جدید ایران

طبق برنامه سال ششم ادبی

تألیف
عباس پرویز

چاپ اول

حق چاپ محفوظ و مخصوص است به :

گتابخانه داش

بعضی از آثار دیگر مؤلف

۱ جلد	تاریخ از طاهریان تامنول
۳ جلد	تاریخ عمومی
۱ جلد	تاریخ قرون وسطی
۱ جلد	تاریخ اروپا در قرون ۱۹ و ۲۰
۱ جلد	تاریخ اروپا در قرون ۱۷ و ۱۸
۱ جلد	دوابط ایران با اروپا در عهد صفویه (ترجمه)
۱ جلد	تاریخ ایران و عمومی مخصوص کلاس چهارم متوسطه
۱ جلد	تاریخ ایران مخصوص کلاس پنجم متوسطه
۲ جلد	جغرافیای اقتصادی کلاس‌های چهارم و پنجم
۱ جلد	فهرست گاویخ کامل ایران
۱ جلد	جغرافیای اقتصادی عمومی وایران

۲۰
تاریخ متدن جدید
ابران
۱۳۴۷

تاریخ متدن جدید

ابران

طبق برنامه ششم ادبی

تألیف

عباس پرویز

چاپ اول

حق چاپ محفوظ و مخصوص است به :

کتابخانه های ایران

فهرست متن در جات

عنوان	صفحه	صفحه	صفحه
فصل اول - روابط صفویه با ممالک اروپا - نظر اجمالی	۲	۱	۲
روابط ایران با سپانیا و بریتانیا	۴	۲	۴
روابط ایران با انگلیس - روابط ایران با هلند	۵	۴	۵
روابط ایران با فرانسه	۶	۵	۶
روابط ایران با آلمان	۷	۶	۷
روابط ایران با روسیه	۸	۷	۸
فصل دوم - روابط ایران با اروپا بعد از صفویه	۹	۸	۹
روابط ایران با فرانسه	۱۲	۹	۱۲
روابط ایران با انگلیس	۱۴	۱۲	۱۴
روابط ایران با روسیه	۱۵	۱۴	۱۵
فصل سوم - آشنا شدن ایران با تمدن اروپائی - نظر اجمالی	۱۷	۱۵	۱۷
امیر کبیر	۱۹	۱۷	۱۹
حذف القاب - برای اندختن رشوه خواری - اصلاح امور مالی	۲۰	۱۹	۲۰
اصلاح نظام	۲۱	۲۰	۲۱
تأسیس مدرسه دارالفنون	۲۲	۲۱	۲۲
اعزام صفتگر با روپا	۲۳	۲۲	۲۳
تأسیس روزنامه - ترجمه و انتشار کتب	۲۴	۲۳	۲۴
توسعه امور صبحی	۲۵	۲۴	۲۵
احیاء و ایجاد اینیه - توسعه صنایع و ایجاد کارخانه ها	۲۹	۲۵	۲۹
بستخانه	۳۱	۲۹	۳۱
تلگرافخانه	۳۲	۳۱	۳۲
راه آهن	۳۴	۳۲	۳۴
ضرابخانه	۳۵	۳۴	۳۵
چاپخانه	۴۲	۳۵	۴۲
روزنامه	۴۸	۴۲	۴۸
ترجمه و تالیف کتب - ایجاد کارخانه ها	۴۹	۴۸	۴۹
تقلید آداب و مراسم اروپائی	۵۰	۴۹	۵۰

۵۱	۵۰	فصل چهارم - تاریخچه مشروطیت و انقراض قاجاریه - مقدمه
۵۴	۵۱	مظفرالدینشاه و مشروطیت ایران
۵۷	۵۴	جانشینان مظفرالدینشاه و انقراض قاجاریه
۵۸	۵۷	فصل پنجم - تاریخچه نهضت اخیر و ترفیات کنونی - نظر اجمالی
۶۰	۵۸	دوى کارآمدن رضا شاه پهلوی
۶۳	۶۰	اصلاحات عصر حاضر
۶۷	۶۳	فصل ششم - روابط ایران با ممالک دیگر از اوائل مشروطیت به بعد
۶۸	۶۷	فصل هفتم- تحول و انقلاب ادبی ایران از حدود مشروطیت باینضطرف - مقدمه
۷۱	۶۸	نمايش
۷۲	۷۱	رمان
۷۳	۷۲	مطبوعات - روزنامه
۷۵	۷۳	سالنامه - مجلات
	۷۵	منابع کتاب

فصل اول

روابط صفویه با ممالک اروپا

نظر اجمالی مملکت ایران با موقع جغرافیائی خود که بر سر راه هندوستان و چین واقع است از قدیم‌الایام در تجارت و داد و ستد اروپائیان با اشرق زمین اهمیت خاصی داشته و در واقع تنها راه ارتباط ممالک اروپا با نواحی مرکزی و شرقی قطعه آسیا بوده است و سیاحان و تجار خارجی ناگزیر این طریق را در پیش میگرفتند چنان‌که هارکوبولو(۱) تاجر معروف و نیزی در قرن هفتم هجری برای اطلاع بر اوضاع مملکت چین از راه ایران خود را بدر بار خاقان رساند . مسافت تاجر هزبور به مشرق زمین بتدربیج پای اروپائیان دیگر را با آسیا بخصوص با ایران باز کرد و از زمان مغول بعد جمعی از مسافرین و نماینده‌گان سیاسی بنای رفت و آمد با این سرزمین را گذاشتند و در ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت ایران و دولت متبوعه خود کوشیدند دولت ایران نیز هر وقت حکومتی مرکزی و پادشاهی با اقتدار داشت از فرستادن سفرا و نماینده‌گان بدر بار سلاطین ممالک اروپا کوتاهی نمیگرد . مبادله سفرآ بین ایران و ممالک اروپائی از طرفی مقدمات ایجاد روابط اقتصادی و تجارتی این مملکت را با آن کشورها فراهم ساخت و از طرف دیگر همت در جا باعث آشنا شدن این سرزمین با اروپائیان و تمدن جدید آنها شد .

فتح اسپانیا بتوسط مسلمین در قرون وسطی بعضی از عادات و آداب مردم مشرق زمین خاصه رسوم ایرانیان را در آن مملکت انتشار داد . ابتدا مسلمین مقیم آن کشور و بعدها خود اسپانیولیها در صدد آمدن با ایران برآمدند . اروپائیها احتیاج فراوانی با امتعه قیمتی و محصولات کمیاب هندوستان مانند ادویه . عاج . سنگهای قیمتی و پارچه‌های ابریشمی و زربفت هندوستان و چین داشتند و چون ایران ازبار و مخزن اینگونه امتعه بود خواه ناخواه آنها را بجانب این سرزمین میکشاند که از تجار

ایرانی اتباع کنند و یا هستقیما برای خرید مال التجاره مزبور بهندوستان و چین بروند
نخستین سیاح اسپانیولی که با ایران آمد یکی از بودیان آن سرزمین موسوم به
بنزامن دوتولد (۱) بود که پس از مراجعت بوطن خویش تجارت اسپانیا را بمسافرت
باین مملکت تشویق کرد.

در اوائل قرن نهم هجری یکنفر سفیر بنام کلادو بزو (۲) از طرف پادشاه و ملکه
کاستیل و آراگن (۳) (از ایالات اسپانیا) با ایران آمد و در تجدید روابط با دزبار
صفویه سعی کرد. عملت این امر تسلط پرتغالیهای اتباع اسپانیا بر جزیره هرمز بود
و دولت اسپانیا برای حفظ این جزیره دوستی ایران را لازم می‌شمرد.

بعد از کشف دماغه امیدنیک پرتغالیها و اسپانیولیها بر سواحل افریقا واقیانوس
هند دست یافتهند و برای اداره متصروفات هزبور کسانی را با عنوان امیر البحاری بشهر
گوئا (۴) پایتخت مستعمراتی خود در هندوستان می‌فرستادند. در قرن نهم هجری
امیر البحار پرتغالی الفنس د'البو کرک (۵) بندر گمبرون (بندر عباس حالیه) و جزیره هرمز
را نصرف کرد (۹۲۳ هجری) و چنانکه ذکر شد دولت اسپانیا با این فتح بیش از
پیش طالب دوستی با ایران گردید.

پادشاهان صفویه نیز برای توسعه تجارت و اقتصادیات مملکت و ابعاد روابط
سیاسی با دول اروپائی علاوه بر آنکه سفر امی از ممالک اسپانیا و پرتغال انگلیس
آلمان. فرانسه. هلند و روسیه پذیرفته اند نمایندگانی چند از جانب خود بدربار
سلطین کشورهای هزبور گسیل داشته اند که اینکه بنحو اختصار بشرح آن می‌بردازم
در اوایل سلطنت شاه عباس کبیر یکنفر انگلیسی بنام سر

روابط ایران با
اسپانیا و پرتغال

آتنوی (۶) شرلی با تفاق برادرش رابرٹ شرلی (۷) ویست و

چهار نفر دیگر جهت عقد قرارداد تجارتی و اتحاد با ایران

بر ضد دولت عثمانی بقزوین آمد. بین همراهان آتنوی شرلی جمعی افسر از آن جمله
باول (۸) و هوارد (۹) نیز بودند که با شناسائی بفنون مختلف نظام و حتی طریقه ساختن

1 - Benjamin de Tudèle 2- Clavijo 3- Aragon 4- goa 5 . Alphonse d'Albuquerque 6 - Anthony 7 - Robert 8 - Powel 9 - Howard

توب ایران را تا اندازه‌ای با تهدن اروپائی و نظام جدید آشنا کردند این جمع در سال ۱۰۰۷ هجری در پایتهخت بخدمت شاه عباس رسیدند و شاه عباس انتوفی شرلی را با تفاق حسین علی بیک بیات وعده‌ای دیگر از رجال ایرانی مأمور مسافرت با اسپانیا و عقد قرارداد سیاسی با آن دولت کرد. آنتوفی شرلی از سفر اروپا دیگر با ایران مراجعت نکرد و حسین علی بیک بیات که از ملاقات با فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا نتیجه‌ای نبرده بود مستقیماً با ایران برگشت.

فیلیپ سوم که بر اثر فتوحات شاه عباس در خلیج فارس و تصرف قشم و بحرین و بندر گمبرون در وحشت افتاده بود یکی از رجال معتبر دربار خود را معروف به دونکراسیا (۱) با ایران فرستاد تا تعهد در فرستادن قوای بحری برای مساعدت با ایران برضد عثمانی بنماید و شاه عباس در عوض نقاطیرا که در خلیج فارس متصرف شده بود با اسپانیا مسترد دارد. اما سفیر مزبور از ملاقات با پادشاه ایران نتیجه‌ای نبرد (۱۰۲۷ هجری)

فیلیپ سوم که از گفتگوی بادولت ایران نتیجه‌ای نرسید امیر البحرين خود را در هندوستان دستور داد که بندر گمبرون حمله کند. اسپانیولیها در بندر مزبور جمعی از تجار انگلیسی را کشتن و بسواحل خلیج فارس دست اندازی نمودند و اشتباه دادند که شاه عباس از قدرت و عظمت اسپانیا میترسد. شاه عباس چون برای قضايا اطلاع یافت در صدد کوتاه کردن دست اسپانیولیها از خلیج فارس برآمد و در سال ۱۰۲۸ هجری با کمپانی هند انگلیس معاہده‌ای برقرار کرد که بموجب آن انگلیسها از راه دریا به ایرانیات در موقع هجوم بجزیره هرمز مساعدت نمایند و در عوض امتیازاتی بدست آورند در سال ۱۰۳۰ هجری شیلینگ (۲) امیر البحرين انگلیس بموجب معاہدة هرمز بور بجزیره هرمز حمله برد و آن جزیره را گرفت اما شاه عباس مطابق قرارداد منعقده رفقار نکرد پس از فتح هرمز قدرت اسپانیولیها در خلیج فارس ازین رفت و بتدریج انگلیسها و هلندیها جانشین آنها شدند.

انگلیسها در قرن دهم هجری تجارت‌خانه‌ای در مسکو تأسیس
دوابط ایران بالانگلیس کردند. ریاست این تجارت‌خانه در سال ۹۶۵ هجری از
طرف ملکه الیزابت به آنتونی جن کین سن^(۱) واگذار شد
و ملکه انگلیس در همان سال وی را مأمور رفتن با ایران و تحقیقات در خصوص وضع
جهرافیائی این مملکت کرد سفیر هزبور در ترکستان دچار فتنه اوزبکان شد و ناچار
مراجعت نمود در سال ۹۶۹ هجری دو باره عازم ایران گردید اما شاه طهماسب که بسیار
متعصب بود بسفیر هزبور اعتنای نکرد و این سفیر ناامید مراجعت نمود.
بعد از آنتونی جن کین سن سفرای دیگری از قبیل آرتور ادوارد^(۲) و استیل^(۳)
و کنک^(۴) و بار کر^(۵) و چنانکه متذکر شدیم برادران شرلی و دودمر کوتون^(۶) با ایران
آمدند و شاه عباس کبیر با قتضای سیاست خود گاهی امتیازاتی هانند خریداً بریشم و
فروش ماهوت و ایجاد دارالتجاره در شهرهای معتبر ایران به آنها داده است وزمانی بالایشان
به بی‌اعتنایی رفتار کرده.

بعد از فوت شاه عباس کمیر سفیری بنام رابرт استودارت^(۷) با ایران آمد که چندان
اعتنایی از طرف دربار ایران بوی نشد.
در اوآخر قرن یازدهم هجری هلنديها بران توسعه تجارت خود و شکست دادن
قوای بحری انگلیس در حوالی جاسک تاجنده جانشین انگلیسها در خلیج فارس شدند
و در اوآخر سلطنت صفویه فرانسویها بنوبه خود با هلنديها بنای رقابت را گذاشتند و
بالاخره در زمان شاه سلطان حسین اغتشاشات داخلی ایران لطمه بزرگی تجارت و نفوذ
انگلیسها وارد آورد.

هلنديها پس از استقرار در هندوستان و پیرون کردن پر تقالیها
روابط ایران با هلنند بخيال افتادند در خلیج فارس نقاطی را جهت افتتاح باب تجارت
با ایران در تحت تصرف خود در آوردند. بهمین مناسبت ازا ایل

1 - Anthony Jen Kinson 2 - Arthur Edward 3 - Steel

4 - Connock 5 - Barker 6 - Darmer Cotton 7 - Stodart

قرن یازدهم هجری عده‌ای از سفرای هلنی از آنجمله هاست (۱) و وسیع (۲) به ایران آمدند.

شاه عباس سفیر اخیر اذکر را به مرادی موسی بیلک در سال ۱۰۳۴ هجری بلاهه فرستاد تادر خصوص پیرون کردن بر تقالیها از خلیج فارس با هلنیها وارد مذاکره شود ولی دولت هلنی جواب قطعی با بن مسئله نداد و موسی بیلک بدون توجه با بران مراجعت کرد. بعد از سفیر مذکور سفرای دیگری از جمله اشمیت (۳) و دلکورت (۴) از طرف دولت هلنی بدر بار ایران آمدند. سفرای مزبور با خذامتیازاتی در تجارت با بن کشور ناچل شدند. جز این عده عده‌ای دیگر نیز منجمله کنستان (۵) (۱۰۵۲ هجری زمان شاه عباس دوم) و فن لینن (۶) در زمان شاه سلیمان و هوگ کامر (۷) (۱۱۲۹ هجری زمان شاه سلطان حسین) با ایران آمدند. شاه سلطان حسین حاضر شد سالی ۳۰۰ بار ابریشم به هلنیها بفروشد اما از این مقدار بتدریج کاسته شد تا آنکه تسلط افغانه و عدم توجه خود هلنیها بتجارت ابریشم ایران باعث گردید ایشان جای خود را بانگلیسها و فرانسویها بدند روابط بین دولتین ایران و فرانسه که از قرن یازدهم هجری روابط ایران با فرانسه شروع می‌شود بیشتر جنبه مذهبی داشته و فرانسویان برای ترویج آئین مسیح و آزادی تبلیغات در شهرهای مختلف ایران هیئت‌ها و نماینده‌گانی باینجا فرستاده‌اند. اولین کسی که برای این مقصود با ایران آمد پاسیفیک در بروونس (۸) بود. شاه عباس بفرستاده هز بوراجازه تشکیل مجتمع مذهبی را در بغداد و اصفهان داد و برای تضمید عبانی دوستی بین ایران و فرانسه سفیر سابق الذکر را بخدمت لوئی سیزدهم فرستاد.

بعد از پاسیفیک دوپروننس سفرا دیگری منجمله لالن (۹) لا بوی (۱۰) فابر (۱۱) ماری پتی (۱۲) و سیور میشل (۱۳) نیز با ایران آمدند. شاه سلطان حسین بعد از آمدن سفیر اخیر محمد رضا بیک را بعنوان سفارت بفرانسه فرستاد و او بخدمت لوئی ۱۴ رسید و

1 - Hasselt 2 - Visnich 3 - Smidt 4 - Del Court 5 - Constant
6 - Von Leenen 7 - Hoog Kamer 8 - Pacifique de Provins

9 - Lalain 10 - La Boullaye 11 - Fabre 12 - Marie Petit

13 Sieur Michcl

عهدنامه‌ای دریازده ماده باسم عهدنامه ورسای پادشاه فرانسه منعقدساخت و چون در این عهدنامه اقتصادی و سیاسی محمد رضا پادشاه ایران موادی چند اضافه کرده بود از ترس تحقیب وی در موقع مراجعت خود را در ایران کشت و دولت فرانسه گاردان^(۱) و پادری^(۲) را برای امدادی قرارداد مزبور با ایران فرستاد. پادری در سال ۱۳۴ هجری از طرف فلبیپ دوک دور ایان^(۳) نایب‌السلطنه فرانسه تغییراتی در عهدنامه ورسای داد و آنرا بامضاء رساند و چون فتنه افغانستان بروز کرد فرانسویها در تجارت با ایران استفاده‌ای نبردند و موقتاً بین دو دولت رابطه اقتصادی قطع شد.

بس از شکست ایران از عثمانی در جنک چالدران^(۴) (۹۲۰ هجری) روابط ایران با آلمان شاه اسماعیل صفوی در صدد اتحاد با دولت اروپائی بخصوص آلمان بر ضد عثمانی برآمد. دولت آلمان هم حاضر بقبول این دوستی و اتحاد بود چه همواره خود را بر اثر حملات عثمانیها بنتقال مرکزی اروپا و متصفات خود در حمایت میدید. شاه اسماعیل برای استفاده از این فرصت در سال ۹۲۹ هجری فراتر پیروس^(۵) یکی از کشیشان مجاهستانی را که در دربار صفویه میزیست بخدمت شارل لکن امپراتور آلمان فرستاد و شارل لکن سفیر مزبور را بانمه‌ای بدردار صفویه گسیل داشت اما در آن موقع شاه اسماعیل مرده و شاه طهماسب سلطنت رسیده بود. از این سفارت اطلاع صحیحی در دست نیست. چنان‌که در بحث مخصوص مروان اطیاب ایران و اسپانیا اشاره شد شاه عباس کمیر انتونی شرلی را بارو پا فرستاد تا خدمت سلاطین همالک آن قطعه بر سر و در خصوص اتحاد، ضد دولت عثمانی مذکور اتی بنماید. آن‌توني در ضمن مسافرت بخدمت رو دلف دوم^(۶) امپراتور آلمان پذیرفته شد و امپراتور برای اطلاع صحبت و سقم سفارت وی نماینده ایران از طرف خود موسوم به کاکاش فن تسالون کمنی^(۷) بجانب ایران فرستاد. اما این سفر در ایران فوت شد و یکی از همراهان او فن دریابل^(۸) مکتوب رو دلف دوم را بشاه عباس کمیر داد و بس از چندی پادشاه ویرا با تفاق مهدیقلی بیک مأمور آلمان گرد. از جزئیات سفارت مهدیقلی بیک اطلاع درستی

1 - gardann 2 - Padéry 3 - D'orleans 4 - Frater Petrus

5-Rudolf 6- Kakasch Von Zalonkemeny 7- Von der Yabel

نداریم . شاه عباس در همان او ان را برت برادر آنتی شرلی را نیز بعنوان سفارت بخدمت رو دلف دوم فرستاده است و راجع با تحداد آلمان با ایران در مقابل دولت عثمانی اقداماتی کرده .

در زمان شاه سلیمان یکی از روحانیون آلمانی که آبارنل (۱) نامداشت در خصوص اتحاد بر ضد عثمانی نامه‌ای با ایران آورد . اما اعتمادالدوله وزیر اعتمانی بوی نکرد . روابط ایران و روسیه از زمان الکسی شروع می‌شود . در روابط ایران با روسیه دوران سلطنت این تزار هشت‌صد نفر از تجار ارمنی و روسی از طریق قفقاز با ایران آمدند و خود را نماینده سیاسی قلمداد نمودند و شاه عباس دوم امتیازاتی راجع به تجارت با ایران به آنها داد و چون پس از چندی متوجه شد که عمدها خود را نماینده سیاسی معرفی کرده‌اند ایشان را از ایران راند و الکسی ساحل بحر خزر را مورد حمله قرار داد و شاه عباس دوم روسها را بسختی شکست داد .

بطرکبیر یکی از ارامنه مقیم روسیه را بنام اوری نئی (۲) با ایران فرستاد و پس ازوی سفیر دیگر برآکه ولینسکی (۳) نامداشت با این همکاری کرد اما شاه سلطان حسین با سفیر اخیر الذکر به اعتمانی رفتار نمود و وی بعد از هم راجعت بر روسیه پطر را از اوضاع خراب ایران آگاه ساخت ، تزار روسیه هم از موقع استفاده کرد و در بنده قفقاز را گرفت و ایالات ساحلی بحر خزر را اشغال نمود . اما نادر قلی افشار روسها را وارد بتخلیه آن نهاد کرد و از آن ناریخ ببعد تازه‌مان فتح عملی شاه قاجار دیگر روابط کلی بین ایران و روسیه وجود نداشت .

فصل دوم

روابط ایران با اروپا بعد از صفویه

چنانکه گفته شد دولت ایران از زمان صفویه شروع بایجاد روابط سیاسی و تجارتی با بعضی از دول اروپائی کرد که بعلتی از آن جمله رقابت خود دول اروپائی بر سر بدست آوردن امتیازات؛ شتری راجع بمنافع و تجارت با این سرزمین، عدم احتیاج پادشاهان صفوی در خصوص اتحاد با دولت‌های مزبور بر ضد عثمانی یا بروز فتنه افغانی و ضعف حکومت مرکزی در ایران این روابط تا حدتی درحال وقفه ماند اما باز یک سلسله مسائل سیاسی بعد از انقراض صفویه ایران را وادار به تجدید روابط سیاسی و حتی جلب دوستی دولتهای چند از اروپا نمود. تاریخ روابط ایران با اروپائیان که در واقع مقدمه آشنایی این سرزمین با تمدن غربی است از دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار آغاز میگردد که ما در جای خود بذکر آن خواهیم پرداخت:

در فاصله بین انقراض دولت صفویه و روی کار آمدن خاندان قاجار دولت ایران جسته جسته روابط مختصر سیاسی با هم‌الک اروپائی از آن جمله روسیه داشته است چنانکه در زمان نادرقلی افشار جهت حل اختلافات بین دولتین ایران و روسیه پرنس کولیتسین (۱) از طرف تزار روسیه با این سرزمین آمد و نادر بعد از مذاکرات زیاد دولت روسیه را وادار به تخلیه ایالات جنوبی بحر خزر کرد این امر در سال ۱۱۴۶ هجری انجام گرفت.

در عهد آقامحمدخان قاجار نیز بین دولتین ایران و روسیه روابط سیاسی برقرار بوده و ژنرال زوبوف (۲) روسی با قواه خود قسمتی از خاک قفقازیه را در نور دیده است. اینک شرح روابط سیاسی ایران با فرانسه و انگلیس و روسیه در زمان فتحعلی‌شاه قاجار.

نایپلئون کبیر امپراطور فرانسه بر اثر ضعف قوae بحری خود روابط ایران با فرانسه در اروپا حریف انگلیس نبود و چون میخواست آن دولت را در صحنه سیاست دنیا در مقابل فرانسه بزبانو درآورد در صدد فتح هندوستان برآمد. برای نیل با بن مقصد اتحاد با یکی از ممالک هجاور آن سرزمین را لازم میدانست مملکت ایران با موقع جغرافیایی خود که بر سر راه هندوستان واقع است از ممالک دیگر برای این اتحاد مناسب تر بود عامل مؤثر دیگری که امپراطور فرانسه را بایجاد روابط سیاسی با ایران و اداره میکرد این بود که فتح محلی شاه از ابتدای سال ۱۲۱۸ قمری دچار زد خورد با روسها شد و قوae خود را از لحاظ نظم و ترتیب قادر بمقاآمت با سپاهیان روسیه ندید و نزد دیگری یکی از دول ادو پائی را لازم شمرد دولت فرانسه از نیت پادشاه ایران استفاده کرد و باب مکاتبات و مرابطات را با دربار این مملکت مفتوح ساخت. فتح محلی شاه در سال ۱۲۱۹ که بایرون لشکر کشید در محل اوج کلیسا با خلیفه ارامنه موسوم به داوود ملاقاتی کرد و در طی این ملاقاتات اطلاعاتی در خصوص نایپلئون و وضع قوae نظامی فرانسه از وی کسب نمود و بفکر نوشتن نامه‌ای با امپراطور فرانسه افتاد و بالاخره مکتوبی بوسیله براان سفیر فرانسه در اسلامبول بدر بار فرستاد نایپلئون بعد از اطلاع بر مضمون مکتوب مزبور عزم خود را راجع بایجاد روابط با فتح محلی شاه جز نمود و بلادرنگ برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر در خصوص وضع سیاسی و راههای ایران آمدۀ ژوبر (۱) منشی مخصوص خود را از طریق عثمانی مأمور ایران کرد و در همان ایام یکی از افسوس ان فرانسوی را موسوم به رومیو (۲) در عقب وی روانه نمود چون افسر اخیر الذکر مستقیماً بایران میآمد پیش از سفیر اولی که ناگزیر از توقف در مملکت عثمانی بود باین کشور رسید (۱۲۲۰) پادشاه ایران از سفیر امپراطور فرانسه بخوبی پذیرایی کرد اما او پس از چند روز اقامت در این سرزمین فوت شد و ژوبر که از راه عثمانی مأموریت آمدن بایران را داشت در سال ۱۲۲۱ هجری در سلطانیه بخدمت فتح محلی شاه رسید این سفیر نیز چندی

نگذشت که بسختی هر یعنی شاه از ترس آنکه مبادا وی هم مانند رومیو بمیرد اورا وادر بر اجتمت بفرانسه کرد و محض احترام میرزا شفیع صدراعظم و یکی از امراء دربار خود محمدخان افشار را تا سرحد با آن سفیر فرستاد ژوبر مکتوب پادشاه ایران را به نایائون رسانید . امپراتور فرانسه پس از ورود ژوبر به پاریس به دفعات عده‌دیگر را بعنوان سفارت بدر بار ایران فرستاد و مرتباً این سفراء و نمایندگان ژوان (۱) دولابلانش (۲) بونتان (۳) بودند سفراء مزبور هر یک با همکتویی جداگانه به خدمت فتحعلی شاه رسیدند و چون نایائون در این مکاتبات گوشزد کرده بود که حاضر به مساعدت با ایران در جنگهای روسیه و فرستادن افسرانی جهت تربیت قواه نظامی این سر زمین است پادشاه ایران یکی از رجال دربار خود موسوم به میرزا رضا خان قزوینی را بعنوان سفارت پیش نایائون فرستاد این سفیر در محل فین‌کن اشتاین (۴) واقع در لیستان به خدمت نایائون رسید و معاهدہ‌ای باوی در شانزده مداد منعقد ساخت (۱۲۲۲) بوجبا این معاهدہ که موادیم آن ذیلاد کر خواهد شد نایائون ژنرال گاردان (۵) را باتفاق هیئتی از افسران که هر یک از آنها در فنی از فنون مختلف نظام تحریه و لیاقت کافی داشت روانه ایران کرد .

همترین مواد عهده‌نامه فین‌کن اشتاین بقرار ذیل است :

- ۱ - نایائون تعهد کرد که گرجستان را از روسیه پس بگیرد و با ایران و اگذار کند .
- ۲ - امپراتور فرانسه باید برای پیشرفت عملیات نظامی ایران در جنگهای با روسیه توپ و تفنک و افسران لازم را با ایران بفرستد .
- ۳ - دولت ایران باید جمیع انگلیس‌های مقیم مملکت را از خاک خود خارج کند و بدولت انگلیس اعلام جنک دهد .
- ۴ - دولت ایران متعهد می‌شود که سرحدات خود را بر روی عمال انگلیسی مسدود سازد .
- ۵ - ایران باید باقبائل مختلف افغانستان بر ضد انگلیس متحد شود و بهندستان حمله کند .

۶- هر وقت نایلشون قصد اشکرکشی بهندستان را دارد دولت ایران باید راه
عبور را برای فرانسویان آماده سازد.

هیئت اعزامی فرانسه در تحت ریاست ژنرال گاردان و با تفاق میرزا رضا شاه قزوینی
در شوال سال ۱۲۲۲ وارد تهران شدند. اعضاء این هیئت را افسران عالی رتبه فرانسوی
از آنجمله ژنرال ترزل (۱) ژنرال فابویه (۲) ژنرال روول (۳) متخصص توپخانه
بر نار (۴) مهندس نقشه بردار. لامی (۵) و بونتان (۶) از افسران مهندس ووردیه (۷)
افسر پیاده نظام و یکنفر طبیب و چند نفر مترجم و مبلغ مذهبی تشکیل می‌دادند. هیئت
نظامی فرانسه در چمن سلطانیه بر ترتیب قوا نظامی ایران و آشنا کردن آنها با وضع
نظام اروپا همپرداختند و از آنکه از امور مرموط بخود اطلاع کافی حاصل می‌کردند
دسته دسته بمیدان جنگ در قفقاز به میرفتند. و دو دافسران فرانسوی و اقداماتی که آنها
در تربیت سربازان گردیدیکی از مقدماتی است که ایران را تا اندازه‌ای باتمدن اروپائی
آشنا کرده ولی متناسبانه هیئت مزبور توانست آنهاور که لازم بود بدولت ایران
خدمت نماید و از پیشرفت روسها جلوگیری کند. البته جز گرفتاری نایلشون در اروپا
که نمی‌توانست مطابق قرارداد فین‌کن اشتاین رفتار نماید موضوع دخالت انگلیس‌هادر
سیاست این سر زمین و تحریکاتی که مینمودند در شکست ایران از روسیه مؤثر بوده است
که بحث در آن از موضوع کتاب خارج می‌شود. نایلشون کمیتر بالاخره به مقتضای وقت
بالکساندر اول تزار روسیه در تیلسیت (۸) معاہده‌ای منعقد ساخت و در آن معاہده
بهیچ‌وجه گفتگویی از برگرداندن ترکستان بایران به میان نیاورد و فتح علی‌شاه را رنجیده
خاطر کرد پادشاه ایران برای آنکه از حقیقت امر و نیت نایلشون نسبت به وضع ایران
اطلاع حاصل کند گاردان را او دار کرد که با امپراتور وارد مذاکره شود تا وسائل
صالحه بین ایران و روسیه را فراهم سازد و عسکرخان و تو استوی (۹) سفرا ایران
و روسیه در پاریس معاہدة لازم را بامضاء رسانند. گاردان مراتب را با اطلاع امپراتور
فرانسه رسانید اما تزار روسیه با این امر مخالفت ورزید و نایلشون هم اصراری نکرد

فتحعلیشاه که براین موضوع آگاهی یافت بنای بی اعتمانی را با گاردن و هیئت فرانسوی گذاشت و بوسیله هیرزا شفیع صدراعظم حکم خروج آنها را از ایران صادر کرد و گاردن در سال ۱۲۲۳ از راه آذربایجان و آسیای صغیر عازم اروپا شد.

چنانکه میدانیم دولت انگلیس از قرن هیجدهم به بعد با روابط ایران بالا نگاه می‌نمود و سائل مختلف سیاسی و نظامی بتدربیج هندوستان راضی‌می‌نموده متصرفات خود کرد. دولت مزبور برای حفظ هندوستان همواره سعی در ایجاد روابط دوستی و سیاسی با ممالک هجاوار آن کشور مینمود ازین این ممالک ایران بواسطه موقع جفرافیائی خود اهمیت خاصی داشت چه تمام افغانستان که در واقع معتبر منحصر به فرد هندوستان است در تحت سلطه و نفوذ ایران بود. بهمین مناسبت برای جلوگیری از خطر حمله به هندوستان به توسط نابلشون کبیر در صدد تجدید مراتب دوستی با ایران و مبارله سفراه بین دو دولت برآمد اولین سفیری که در زمان فتحعلیشاه از طرف حکومت هندوستان با ایران آمد مهدیقلیخان بهادرجنگ نام داشت که در سال ۱۲۱۴ در تهران بخدمت پادشاه رسید بعد از سفارت با ایران آمد (۱) سر جان ملکم با پانصد نفر از همراهان خود بعنوان سفارت با ایران آمد (۱۲۱۵). سر جان ملکم به تحصیل بعضی امتیازات سیاسی و اقتصادی در ایران ناکام شد و بعد از سه ماه توقف در تهران به اتفاق حاج خلیل خان قزوینی که از طرف فتحعلیشاه بسفارت ایران در هندوستان انتخاب شده بود هرآجنبت کرد. اما سفیر ایران در بمبئی به توسط یکی از مردم آشوب طلب بقتل رسید و دولت هندوستان از پادشاه ایران بوسیله همکنونی از این پیش آمد معمذت خواست (۱۲۱۶) و فتحعلیشاه که متوجه شد این امر عمدى نبوده عذر نایب السلطنه هندوستان و لزلی (۲) را پذیرفت و محمد نبی خان خواهرزاده حاج خلیل خان قزوینی سابق الذکر را بعنوان سفارت به هندوستان فرستاد. چون هیئت نظامی گاردن همانطور که شرح آن گذشت وارد ایران شد روابط سیاسی بین انگلیس و ایران قطع گردید و چندی کار بهمین منوال بود تا آنکه فتحعلیشاه فرانسویان را از این سرزمین راندبار فتن فرانسویان روابط ایران و انگلیس تجدید و مبادله سفراه آغاز شد از سفراء انگلیسی که از

هندوستان یا هسته‌قیماً از لندن با ایران آمده اند بذکر اسمای سرجون نزهار فودر (۱) و سرجان ملکم سابق الذکر و سرگرد آزلی (۲) پیور دازیم. دولت ایران نیز سفراتی برای ایجاد روابط دوستی و جلب توجه انگلیس راجع با اختلافات بارو سیه به لندن فرستاده است که مهمتر از همه میرزا ابوالحسن خان شیرازی بود. سرگرد آزلی سفیر انگلیس بمحض آنکه به تهران وارد شد در صدد برآمد که برای جلوگیری از خطر حمله از جانب ایران هندوستان قراردادی بافتحعلیشاه عنقدسازد و بالآخره تو انت عهدنامه ای را عتضمی یازده فصل تنظیم نماید عهدنامه مزبور بتوسط سفیر جدید انگلیس در ایران بنام الیس (۳) در سال ۱۲۲۹ در تهران باهضاء رسید.

مواد مهمی که مربوط به تعهدات ایران در این عهدنامه آمده بقرار ذیل است.

۱- قبول حکمیت نماینده انگلیس در اختلافات سرحدی بارو سیه.

۲- جلوگیری از هجوم افغانیه بخاک هند.

۳- دولت ایران نماید اجازه عبور سپاه ممالک دیگر را از این سر زمین به

هندوستان بدهد.

۴- ایران نماید بادولتی که دشمن انگلیس است قرارداد دوستی عنقدسازد و از طرف آن دولت برای تربیت سپاهیان خود هر بی وافسر بپذیرد.

مهمنترین موادی که انگلیس در عهدنامه مزبور تعهد کرد از این قرار است:

۱- دولت انگلیس باید مبلغ ۱۵۰۰۰ هزار لیره هر ساله با ایران پردازد تا بمصرف حفظ سرحدات شمالی این سر زمین برسد.

۲- دولت انگلیس نماید در امور داخلی افغانستان مداخله نماید.

۳- اگر دولتی با ایران حمله کند انگلیس باید در رفع این پیش آمد مساعدت لازم را بنماید.

فتحعلیشاه از عهد نامه ایکه با انگلیس بسته بود نتیجه ای نبرد و کلیه مواد آن به نفع دولت انگلیس تمام شد و در واقع مقدمه ای برای بازشدن پای انگلیسها در

این سرزمین و شروع رقابت آنها با روسمه اگردید.

دولت روسیه از دیر باز چشم طمع ببلاد آباد و اراضی حاصلخیز روابط ایران با روسمه قفقازیه دوخته بود هنرها قدرت و عظمت نادرشاه از یک طرف و گرفتاریهای آن دولت در اروبا از طرف دیگر برای مدت قلیلی دولت هزبور را از انجام این مقصود بازداشت اما فکر تصرف قفقازیه از دماغ تزاران روسیه دور نمیشد تا اینکه در زمان فتحعلی شاه قاجار الکساندر اول تزار روسیه از اوضاع خراب و اغتشاشی داخلی ایران استفاده کرد و موقع را برای هجوم به قفقازیه مناسب دید بعلاوه انقلابات داخلی گرجستان و اختلافات بین حکمرانان آن ناحیه روسیه را بفتح قفقازیه و رسیدن به مجرای رودارس و ادار نمود و یک سلسه مبارباتی بین دولتين ایران و روسیه بروز کرد که شامل دو دوره است در دوره اول سیسیانوف (۱۲۱۸- ۱۲۲۸) و در دوره دوم پاسکیویچ ریاست قوا روسیه را داشتند (۱۲۴۳- ۱۲۴۱) و در تمام این مدت عباس‌میرزا ولیعهد با کمال رشادت و شهامت از سرحدات مملکت دفاع میکرد اما بر اثر سستی فتحعلیشاه در فرستادن آذوقه و خست و لشامتی که در امور هادی میورزید دولت ایران شکست خورد . پس از خانمه دوره اول مباربات روسیه و ایران عهدنامه کلستان (۱۲۲۸) منعقد شد ، در انعقاد این عهدنامه سرگر آزلی سفیر انگلیس دست داشت و بالاخره پس از مدت‌ها مذاکره عهدنامه هزبور در یازده فصل و یک مقدمه نوشته شد و با حضور سفیر انگلیس بتوسط نیکلاس ردار روسیه و میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران با هضاء رسید . بموجب عهدنامه کلستان ایران از ولایات قره باغ و گنجه و خانات وشكی و شیروان و قبه و دربند و باکو و داغستان و گرجستان چشم پوشید و دولت روسیه تعهد کرد در موقعیکه ولیعهد ایران برای رسیدن به تاج و تخت دچار مخالفت یاغیان و سرکشان شود بموی مساعدت نماید .

جنکهای دوره دوم چنانکه گفته شد منجر به عهدنامه‌تر کمنچای گردید (۱۲۴۳) چون سپاه روسیه پیشرفت فراوانی کرد و روسمه قبریز را گرفتند

سر جان هاگدو نالد (۱) در بیم و هراس افتاد و فتحعلیشاه را وادر بانعقاد عهدنامه مزبور در شانزده فصل و قرار داد تجارتی در نه فصل نمود قرار داد ترکمن چای در مجلسی که از پاکسیویچ و سفیر انگلیس و عباس میرزا و قائم مقام و آصف الدوله و حاج میرزا ابوالحسن خان شیرازی تشکیل شده بود باضاه رسید و دولت روسیه علاوه بر آنچه در عهدنامه گذشت ذکر شد ایروان و نخجوان و دشت موغان را بدست آورد و مجرای رود ارس سرحد دولتين شد و انباع آن دوات در ایران از تابعیت قوانین حقوقی و جزائی معاف گردیدند و کشتی رانی در دریای خزر بدولت مزبور انحصار یافت و پنج هلیون تومان غرامت گرفت.

روسها با انتقاد عهدنامه ترکمن چای و تصرف قفقازیه بسختی با انگلیسها بر سر سیاست خود در ایران بنای رقابت را گذاشتند و این رقابت از زمان ناصرالدین شاه که بدستیاری روسها و با حسن سیاست امیر کبیر در تهران تاج گذاری کردشده گرفت و از او اخراج سلطنت وی دولتين روس و انگلیس رسماً در کارهای اداری مملکت دخالت کردند و در دوره مظفر الدین شاه با دادن قرضی با ایران امتیازاتی در شمال و جنوب بدست آوردند.

فصل سوم

آشنا شدن ایران با تمدن اروپائی

چون محمدشاه مرد (۱۲۶۴) در سراسر ایران اغتشاشات نظر اجمالی و انقلاباتی برپا شد و هر کسی در گوش و کنار مملکت داعیه سلطنت در سر می‌بخت و حاج میرزا آقاسی که میدید وزرا و بزرگان اطاعت امر اورا نمی‌کنند و انتظار آمدن ناصرالدین میرزا ولیعهد را از تبریز دارند در صدد برآمد مقام خود را بهر نحوی که شده باشد حفظ نماید. بنا بر این جمعی از سپاهیان را آماده ساخت و چون نتوانست در مقابل رجال کشور و سران سپاه مقاومت نماید

بحضرت عبدالعظیم پناهندۀ و در آنجا متحصّن شد ، قیام حاج میرزا آقا سی اوضاع پایتخت را بسیار وخیم کرد و هر کسی بفکر بدست آوردن مقام صدارت در موقع ورود ولیعهد به تهران افتاد. تنها کسی که در پایتخت میتوانست تا اندازه‌ای از شدت و خامت اوضاع بکاهد مادر ناصرالدین میرزا مهد علیا بود . مهد علیا بتوسط علیقلى میرزا اعتضادالسلطنه با سفراء روس و انگلیس بنای مذاکره را گذاشت و بالاخره با اطلاع آنها زمام امور را در دست گرفت و ناصرالدین میرزا را که در آن تاریخ شانزده سال داشت از تبریز خواست .

پس از فوت محمدخان زنگنه امیر نظام میرزا تقی خان فراهانی با لقب وزیر نظام که سمت هنری گری او را داشت منصبی امور مربوط به قوای نظامی آذربایجان شد و برای آوردن ولیعهد به تهران و جلوگیری از مقاومتی که ممکن بود بین راه تبریز و تهران بروز کند به تهیه قوای پرداخت و در همان اوان از طرف ناصرالدین میرزا ملقب به امیر نظام شد .

میرزا تقی خان امیر نظام که میدانست روسها بموجب معاهده گلستان (۱۲۲۸) متعهد شده‌اند که در موقع رساندن ولیعهد ایران به تاج و تخت از مساعدت دریغ نکنند با آنها راجع بر فتن تهران بنای مذاکره را گذاشت . مادر اینجا برای مزید اطلاع عین فصل چهارم مهد زمامه مزبور را که مربوط به مین موضوع است ذکر میکنیم : «امپراتور روسیه برای ابراز و اظهار درستی به پادشاه ایران و برای اثبات اینمی از طرف خود نسبت به ولیعهدان عظام اقرار مینماید که هر یک از فرزندان پادشاه ایران که بولیعهدی معین میگردد هر کاه محتاج باعانت و امداد دولت روسیه باشد مضائقه ننماید تا از خارج کسی نتواند در مملکت ایران دخل و تصرف کند و اگر در امور داخلی مابین شاهزادگان منازعاتی دست دهد دولت روسیه را در آن میانه کاری نیست مگر آنکه پادشاه وقت خواهش نماید .» در هر صورت امیر نظام ناصرالدین شاه را که در چهاردهم شوال ۱۲۶۴ در تبریز بر تخت سلطنت جلوس کرده بود در بیست و یکم ذی القعده همان سال به تهران آورد . ناصرالدین شاه میرزا تقیخان را بالقب اتابک اعظم به مقام صدارت بر گزید در دوران سلطنت ناصرالدین شاه مردم این سر زمین با تمدن

اروپائی آشنایی پیدا کردند و بتدریج با وسائل این تمدن بایران باز شد. بانی این فکر و کسی که بیش از کلیه رجال در راه توسعه تمدن اروپائی در مملکت سعی و کوشش کرده میرزا تقیخان امیر کبیر است و چون بعد از وی اقدامات او بتوسط وزراء و رجال دیگر دنبال شد شیوع و انتشار تمدن غربی را در زمان ناصر الدین شاه بد و دوره تقسیم میکنیم یکی دوره امیر کبیر و دیگری دوره وزراء و رجالی که پس از وی روی کار آمدند. دامنه بعضی از اقدامات دوره دوم تا اواخر سلطنت قاجاریه نیز کشیده شده که تذکر آن را لازم شمردیم در هر صورت قبل از ورود در مبحث مخصوص بواسطه این تمدن جدید و چگونگی اشاعه آن در ایران ناگزیر بشرح مختصری در احوال بعضی از این رجال می‌پردازیم.

بزرگترین و معروفترین وزراء و رجالی که در راه آشنایی کردن ایران با تمدن اروپائی بعد از امیر کبیر خدمات نمایانی کرده‌اند حاج میرزا حسین خان سپه‌سالار و حاج یحیی خان مشیر الدوله و حاج میرزا علی خان امین الدوله بودند.

میرزا تقیخان فرزند کربلا می قربان از مردم هزاره فراهان
امیر کبیر یکی از میحال عراق است. کربلا می قربان در خانه میرزا عیسی قائم مقام اول به آشپزی اشتغال داشته و پس از وی در دستگاه پسرش قائم مقام ثانی همین سمت را حفظ کرده است.

میرزا تقیخان در ابتدای جوانی منشی و محروم اسرار میرزا عیسی ملقب به میرزا بزرگ پدر قائم مقام ثانی بوده است و بعد از فوت وی در خدمت پسرش درآمد و بهمان شغل کتابت مشغول شد و تا سال ۱۲۴۴ که قائم مقام اورا به مراغه خسرو میرزا پسر ولیعهد بروسیه فرستاد بمنشی گری مشغول بوده است و بعد از مراجعت خسرو میرزا و امیر نظام زنگنه از مسافرت روسیه که برای عندرخواهی از قتل گری باید فسفیر تزار در تهران با آن سرزمین رفته بودند از سلک منشیان قائم مقام بیرون آمد و بمیرزا محمدخان زنگنه امیر نظام پیوست و متصدی کارهای لشکری شد و در این راه معرفت و تجربه کامل حاصل کرد و ملقب بمستوفی نظام شد. لیاقت و کاردانی و

پشتکار هیرزا آقاخان موجبات محبوبیت اورا در خاطر امیر نظام زنگنه فراهم ساخت و روز بروز بر قدر و منزالت او افزوده شد تا آنچه که به قام سرتیپی رسید و هلقب بوزیر نظام گردید و چنانکه گفته شد این لقب را تا موقعی که ناصرالدین شاه از تبریز برای جلوس به تخت سلطنت بطرف تهران حرکت کرد داشت و از آن پس شاه و پیرا هلقب با امیر نظام نمود و چون ناصرالدین شاه به تهران رسید اورا با بزرگترین القاب یعنی اقبات اباک اعظم بصدارت خود برگزید.

همانطور که اشاره شد هیرزا آقاخان فراهانی مسافرتی بسن پطرزبورک کرد. این مرد در مدت اقامت خود در شهر هزبور بوضع مدارس و چگونگی تعلیم و تربیت اروپا و اهمیت کارخانه ها و ترقی صنایع در آن سرزمین آشنا شد و همین امر وی را برای آوردن وسائل تمدن جدید در ایران آماده ساخت.

امیر نظام برای رفع اختلافات سرحدی در سال ۱۲۵۹ مسافرتی نیز بازرنۀ الروم کرده است و در این مسافرت بخوبی از انجام این مهم برآمده و معاهده ای در سال ۱۲۶۲ با دولت عثمانی منعقد ساخته است. امیر در مدت اقامت خود در ارزنۀ الروم چون همواره با نهایندگان و سفراء انگلیس و روس در تماس بود کهلا بر موزسیاست دول عظیمه آشنا شد و بدسامس آنها در مشرق بخوبی بی برد و بالنتیجه شم سیاسی و استعداد ذاتی او قوت عجیبی بخود گرفت.

امیر کبیر در بیستم میحرم ۱۲۶۸ با مر ناصرین شاه از صدارت معزول شد و هیرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری که سابقًا وزیر لشکر بود بدان سمت منصوب گردید چون امیر کبیر از مقام صدارت عزل شد مهدعلیما مادر ناصرالدین شاه و اعتمادالدوله که با اوی مخالفت داشتند از ماندن او در تهران در بیم و هراس بودند و هیتر سیدندند مبادا شاهدوباره اورا بر سر کار آورد بنا بر این شاه بتحیریک دشمنان فرمان قتل یکی از بزرگترین امیر ناچار عازم کاشان شد ولی شاه بتحیریک دشمنان فرمان قتل یکی از بزرگترین رجال و وزراء ایران را صادر کرد و آنرا بتوسط حاج علیخان بکاشان فرستاد و در دو شنبه هیجدهم ربیع الاول ۱۲۶۸ یکی از دلاکان با مر حاج علیخان در حمام فین رگهای امیر را

زد و پس از آن جنازه اورا به عنیات حمل کردند.

اینک بشرح اقدامات هفیدیکه این مرد بزرگ و نامی در راه ترقی و تعالی ایران و آشنا کردن هر دم بار سوم و آداب و تمدن جدید کرده مبادرت میورزیم :

۱- حذف القاب و تعارفات بیمورد که کتاب و منشیان مانند زمان صفویه و قاجاریه در مراسلات خود میآوردند. در این مورد امیر با نادازه‌ای اصرار میورزید که حتی حاضر نمیشد در مراسلات لقب صدراعظم را بوی خطاب کنند و بهمان کلامه جناب اکتفاء مینمود.

۲- برانداختن رشوه خواری امیر از همان ابتدا صدارت خود موضوع رشوه خواری را که عمال دولتی بعنای بین مختلف مداخل و پیشکی و عایدات و سپورسات اعمال میداشتند از بین برد و فرمانی به جمیع حکام صادر کرد که باید امانت و صداقت را در امور پیشنهاد سازند و گرد ارتشاء نگرددند و بوسیله هنریان مخصوص خود اعمال حکام و ولات را مستقیماً تحت نظر خود در میآورد و در دفعه اول آنها را در صورت ارتشاء سرزنش میکرد و در دفعه ثانی از حکومت معزول مینمود و محکوم به جازات نقدی میکرد. اقدام امیر دراز بین بردن رشوه خواری جمیع عمال دولتی را بوظائف خود آشنا ساخت و باعث شد که کلیه هالیات در سر هوعد وصول گردد و چون به مأمورین دولتی فراخور لیاقت و کار آنها هواجوب و مقرری میداد امور مملکتی بسرعت پیشرفت میکرد و کارهادر دست کار دانان میافتد و بالطبع مأمورین مغرض و رشوه خوار از میان میرفند.

۳- اصلاح امور مالی وضع مالی ایران بعد از قائم مقام دچار بحران عظیمی شده بود و عملت آن عدم توازن و تعادل مالی با وجود مستمریهای گزار و بیمورد در حق رجال و درباریان بی مصرف بود. چون امیر سر کار آمد توجه وی معطوف با اصلاح امور مالی کشور شد و برای خاتمه بحران مالی هیئتی از مستوفیان تحت نظر میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی که وزارت استیفاء را بر عهده داشت تشکیل داد تا داخل و خرج مملکت را تنظیم و تعیین نماید. چون خرج مملکت بیش از دخل آن بود امیر از حقوق کسانیکه از خزانه دولت واجب دریافت میداشتند یعنی از شخص خود گرفته تا کوچکترین مستخدم کشور به تناسب مبلغی کاست و باین ترتیب دخل و خرج را تعدیل کرد. بعد از این عمل به قطع مستمری کسانیکه منشاء و مصدر هیچ گونه خدمتی برای مملکت نبودند

دست زد . این وزیر با تدبیر در رعایت حال مودیات مالیات که سابقاً همواره از دست عمال استیفاء در زحمت بودند سعی زیادی کرد و برای رفاه حال آنها اگر ناحیه‌ای دچار آفت هیشده به تناسب خسارت واردہ از میزان مالیات میکاست .

۴ - اصلاح نظام چون امیر میدانست برای رفع اغتشاشات داخلی و مقاومت در مقابل دست اندازیهای خارجیان ایران محتاج به نظام قوی بالسلوب نظام جدیدار و پاس است در توسعه سپاه این مملکت سعی بلیغی از خود ابراز میکرد و امارت نظام را که همان وزارت جنگ امروزی باشد شخصاً در عهده داشت . موقعیکه میرزا تقی خان در آذربایجان وزارت نظام امیر نظام زنگنه را داشت بر اثر معاشرت با افسران خارجی به تعليمات جدید نظام آشنا شده بود و با مشاهده سپاهیان روسیه و کارخانه‌های اسلام‌سازی آن سر زمین فکر ایجاد نظام جدید در میخیله وی خطور کرد و چون بصدارت رسید آن فکر را به مرحله عمل رساند . مادراینچا بشرح اصلاحات نظامی بتوسط امیر هیپردازیم :

امیر در کلیه ایالات و ولایات متناسب با جمعیت و اهمیت آن هنگهای از سر بازان تربیت میکرد و در بعضی از نواحی بعمل اقتصادی مراعات حال رعایا را مینمود چنانکه از ارامنه اصفهان سر باز نمیخواست و حال آنکه ارامنه آذربایجان یک‌هذاک جدید ۹۰۰ نفری ترتیب داده بودند . این وزیر برای متحدد الشکل کردن نظامیان کلیچه‌های نظامی و شلوار تذاک را از اطربیشیها اقتباس و بین سر بازان در کلیه نقاط متدال کرد و در سال ۱۲۶۷ ملیمه دوزی و مفتول دوزی لباس نظامیان را هانند اطربیشیها معمول ساخت البسه نظامی با پارچه‌های وطنی تهیه میشد و دوختن تکمه‌های شیر و خورشید لباس نظامیان از آنوقت در ایران معمول شد .

امیر برای توسعه نظام بایجاد بعضی کارخانه‌های اسلام‌سازی نیز پرداخته که بجای خود ذکر خواهیم کرد . راجع بتشکیلات و میزان قوا و اصلاحاتیکه در راه ترقی نظام ایران در زمان امیر کبیر بواقع پیوسته یکنفر سیاح انگلیسی معاصر وی اینطور هینویسد . « سپاه ایران اکنون از بنچاه هنک پیاده نظام و دوازده دسته سواره نظام و دوهزار توپچی و دویست نفر زنbor کچی تشکیل بافته است و هر فوج از هزار نفر که هشت‌صد‌نفر آن سر باز و دویست نفر دیگر صاحب منصب و نفرات غیر صافی هستند بوجود می‌آید »

هر چند بده دسته تقسیم می‌شود و در رأس هر دسته یک سلطان قرار دارد و هر هنر تحت فرماندهی سرهنگی است و در رأس هر فوج یک سرتیپ قرار دارد.

سوار نظام بر دو قسم است غلام رکاب یا گارد شاه و ولیعهد و غلام سوار یا سوار نظام معمولی « از آنجه کفته شد علوم می‌گردد که امیر در توسعه و رفاه حال نظایران کوشش فراوان می‌گردد و برای آنکه نظایران بتوانند از اسرار نظام جدید اروپائی مطلع شوند به طبع و نشر کتب هفید نیز اقدام نموده است از آنجمله کتاب نظام ناصری تألیف بهرام میرزا در فنون مختلف نظام است .

بنای عمارت توپخانه در سال ۱۲۶۷ . احداث باب سر باز خانه در خارج شهر تهران ساختن قراولخانه و قلاع نظامی در نقاط سوق الجیشی نیز جزو اقدامات امیر در نظام و توسعه آن محسوب می‌شود .

۵ - تاسیس مدرسه دارالفنون یکی از اقدامات هفید امیر کبیر برای اشاعه تعلیم و تربیت اروپائی در این هملکت تأسیس مدرسه دارالفنون است . سنگ بنای دارالفنون در سال ۱۲۶۶ در زمین واقع در شمال شرقی ارک سلطنتی نهاده شد . نقشه آن را امیر زارضای هندرس یکی از محققین پنجگانه‌ای که در زمان فتحعلی‌شاه برای تحصیل علوم مختلف از طرف دولت بانگلیس رفته بودند طرح کرد و یکی از معماران موسوم به محمد تقی خان معمار باشی‌ها و رساختمان آن شد . در رودی سابق دارالفنون بطرف خیابان باب‌همایون باز می‌شد و در فعلی آن که در خیابان ناصر خسرو است در سال ۱۲۹۲ احداث گردید . امیر کبیر یکماه پس از شروع رساختمان دارالفنون در صدد استخدام معلمین اروپائی برآمد و برای این کار اطربی شیوه اراده نظر گرفت و جان داوود خان ارمنی مترجم دولت را در سال ۱۲۶۷ مأمور انجام این هم کرد و برای باطربیش فرستاد . این شخص شش نفر از اطربی‌ها را برای تدریس در مدرسه دارالفنون استخدام کرد که معروفترین آنها کاپیتن زاتی (۱) مخصوص مهندسی کار نوتا (۲) معلم عملیات کوهستانی دکتر پلاس (۳) معلم دواسازی بودند . میرزا داوود خان سابق الذکر روز جمعه ۲۷ مهرم ۱۲۶۸ یعنی دو روز پس از عزل امیر از منصب صدارت با معلمین اطربی‌شی وارد تهران شد و بخدمت

شاه رفت و آنها را «عرفی نمود و روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ یعنی سیزده روز قبل از قتل امیر کبیر مدرسه دارالفنون بتوسط شاه افتتاح شد و برای هر یک از معلمین مترجمی را از بین شاگردان ابرانی که بفرانسه در زمان محمد شاه (۱۲۶۰) فرستاده شده بودند انتخاب کردند که «روفتران آنها میرزا ذکری پسر حاج میرزا مقیم هازندرانی علی آبادی میرزا ملکم خان پسر میرزا یعقوب خان ارمی محمد حسن خان قاجار میرزا رضای کاشانی میرزا آقا تبریزی و میرزا عبدالهاب بزدی بودند دارالفنون در ابتدای تأسیس شامل هفت شعبه پیاده نظام سواره نظام توپخانه هندسی طب و جراحی دواسازی و معدن‌شناسی بود بعلاوه در مدرسه مزبور علوم دیگری که ارتباط با شعب هفت گاهه مدرسه داشت تدریس میشد هانند تاریخ و چغرافیا و طبیعتیات و زیاضیات و فرانسه وغیره ازهؤسسات ضمیمه دارالفنون کارخانه شمع کافورساری و آزمایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی و مطبوعه‌ای بود که بعدها معروف به مطبوعه دولتی شد در دارالفنون کتابخانه‌ای نیز ایجاد کردند که علیقلیخان پسر رضاقلیخان هدایت که بعدها به مخبرالدوله ملقب شد ویکی از شاگردان دارالفنون بود بر آن ریاست داشت ریاست مدرسه دارالفنون را در سال اول تأسیس میرزا محمد علیخان شیرازی داشت (۱۲۶۸) و پس از فوت وی در سال ۱۲۶۸ عزیزخان آجودان باشی به آن مقام رسید و رضاقلی خان هدایت بشغل نظمت منصوب گردید.

یکی دیگر از مدارسی که در آن او ان تأسیس شد مدرسه ارامنه تبریز است که در سال ۱۲۶۸ اجازه تأسیس آن از طرف ناصر الدین شاه داده شده.

۶- اعزام صنعتکر به اروپا امیر کبیر برای توسعه صنایع جدید در ایران در صدد فرستادن عده‌ای از صنعتگران به اروپا برآمد و برای این منظور پنج نفر را روانه روسیه کرد که در شهرهای سکو و سن بطریزبورک بتحصیل صنایع مختلف جدید پردازند و پس از بازگشت بکشور از وجود آنها استفاده نماید این عده پنج نفری عبارت بودند از کربلاجی عباس - کربلاجی صادق - کربلاجی احمد - مشهدی علی و آقا عبدالله عده هزبور بتریم در کارخانه‌های بلورسازی و چدن‌ریزی و قندونچاری و شمامی مشغول کار شدند غیر از صنعتگران مزبور امیر دونفر از تجارت حریر باف کاشان را نیز باسلامبول فرستاد

تاباون نساجی جدید آشنا شوند.

۷- تاسیس روزنامه امیر کمپیر برای اشاعه معارف روزنامه‌ای را بنام روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ تأسیس کرد اولین شماره آن در روز پنجم ربیع الثانی سنه مزبور منتشر شد و این شماره عنوان روزنامه‌جاء خبار دار الخلافه تهران را داشت و از شماره دوم در تحت نام روزنامه وقایع اتفاقیه انتشار یافت. در صفحه اول آن عبارت یا اسدالله الغائب و علامت شیر و خورشید ایران دیده می‌شود. روزنامه وقایع اتفاقیه تاسیل ۱۲۷۷ به مین طرق و با همین اسم منتشر می‌شد و در سنه اخیر الذکر از شماره ۴۷۴ نام آن بصورت روزنامه دولت علیه ایران درآمد و ماشراح این روزنامه و روزنامه‌های دیگر فارسی را بجای خود در تحت عنوان روزنامه در ایران ذکر خواهیم کرد. میرزا تقی خان حاج میرزا جبار نظم‌المرام تذکره‌جی را به میریت روزنامه وقایع اتفاقیه انتخاب کرد و ادوارد بر جس (۱) انگلیسی را که در زمان عباس‌میرزا برای تصدی چاپخانه استخدام شده بود بعنوان مترجم دراداره روزنامه مزبور گماشت. این روزنامه شامل اخبار داخله و خارجه و بعضی مقلاط علمی بود. لهدی شیل زوجه وزیر مختار انگلیس بوجود روزنامه دیگر که فقط برای شاه و صدراعظم تهیه می‌شد اشاره مینماید و می‌گوید در روزنامه مزبور مطالبی منتشر می‌شد که اطلاع مردم بر آنها لازم نبود والبته با دست نوشته می‌شد و بچاپ نمیرسید.

۸- ترجمه و انتشار کتب میرزا تقی خان امیر چه قبیل از صدارت وجده دره و قیمه بصدارت رسید در تألیف و ترجمه وطبع و نشر کتب مختلف سعی بليغی می‌کرد از آن‌جمله وقتی‌گه هامور ارزنه الرؤم شد در ضمن اقامت خود در آنجا زانداو: مسیحی را ادار به ترجمه یکی از کتب جدید جغرافیای خارجه بزبان ترکی کرد و سپس دستور داد میرزا محمد حسین فراهانی دیبر الملک آنرا از ترکی به فارسی برگرداند، اسم این جغرافیا جهان‌نمای جدید یا جغرافیای کره بود و اولین کتاب جغرافیاست که با اصول و اسلوب جدید به فارسی نوشته شده است و نسخه آن در کتابخانه ملی وزارت فرهنگ موجود است. دیگر از کتبی که در زمان امیر ترجمه و تألیف شده باز کتابی است در جغرافیا که

در سال ۱۲۶۷ بتوسط فلامغون میکائیل از فرانسه ترجمه شد و در تبریز بچاپ رسید و علاوه بر کلمات جغرافیائی و ممالک عالم در خصوص جغرافیای ایران اطلاعات بیشتری بر آن افزوده شده است . یکی دیگر از خدمات امیر در ایران و ادار کردن فلامغون میکائیل سابق الذکر است به ترسیم و چاپ بیست و پنج نقشه از ممالک دنیا ، در زمان امیر یکمنفر یونانی مقیم تبریز هوسوم به رفائل یک نقشه ایران و یک جهان نما ترسیم کرد .

از بین کتبی که در عهد میرزا تقی خان امیر ترجمه شده دو جلد تاریخ راجع به ناپلئون و کتاب دیگری مربوط بفرماندهی ناپلئون است که هر دوی آنها در سال ۱۲۶۸ بطبع رسیده کتاب نظام ناصری تألیف بهرام هیزا معز الدوله پسر عباس میرزا نیز از کتبی است که در زمان امیر طبع شده است . این کتاب مربوط بفنون مختلف جنگ است که بین صاحب منصبان تقسیم شد . برای جلوگیری از امراض ساریه و آشناسدن مردم بخصوص کسانی که دور از شهرها دردهات زندگی میکردند در زمان امیر بدستوری کتبی در جلوگیری از آبله ووبا و امراض دیگر بطبع رسید و در اختیار روحانیون و کخدابان محل برای توزیع بین باسوادان واستفاده از آن گذاشته شد .

۹ - توسعه امور صحی میرزا تقی خان امیر کبیر برای توسعه امور مربوط به حفظ صحت مردم و جلوگیری از کثرت متوفیات اقداماتی کرده است که از آنجمله تأسیس مریضخانه ای را با اسم مریضخانه دولتی میتوان محسوب داشت . بنای این مریضخانه که پیشون دروازه دولت بود در سال ۱۲۶۶ شروع شد و دو سال پس آن تاریخ پایان رسید . این مریضخانه در اوائل ماه ربیع الاول سنه ۱۲۸۰ افتتاح شد و در آن وسائل پذیرایی و معالجه چهارصد نفر بیمار را تهیه کرده بودند و داروخانه مخصوص نیز داشت و ریاست آن با امیرزاده حمدوی حکیم باشی نظام بود . چون در شهرهای دیگر ایران مریضخانه ای احداث نگردیده بود امیر برای معالجه مردم بخصوص نظام ایمان اطباء با تجربه ولابق را گسیل داشت و چنانکه گفتیم یکی از شعب دارالفنون مربوط به طب جدید بود که « حصلین ایرانی بسر پرستی دکتر بالاک اطریشی سابق الذکر با آموختن طب و جراحی مشغول بودند و دروس عملی خود را در مریضخانه دولتی میدیدند . دیگر از اقدامات مهم امیر قرار امتحان اطباء بود که تا آن زمان با اطلاعات بسیار مختصرا

بشغل طبابت مشغول بودند بدستور امیر این قبيل اطباء همیبايس است امتحانات لازمه را برای گرفتن تصدیقناهه پیش یکی از همانین طب دارالفنون بدهند و از آن پس بشغل طبابت ادامه دهند تلقیح عمومی آبله یکی از اقدامات مهم امیر بود. چنانکه گفتیم رسالاتی برای آشنا کردن مردم به لزوم تلقیح تالیف و ترجمه و در دسترس عموم گذاشته شد و بدرج مقالات در روز نامه و قایع اتفاقیه عامه را با هر اراضی که بر اثر آشامیدن آبهای آلوده تولید هیشود آشنا ساخت و در جلوگیری از آنها دستورهای لازمه را میداد.

۱۰ - احیاء و ایجاد ابنيه میرزا تقی خان در تاهین و احیاء ابنيه تاریخی و احداث ابنيه جدید و عمران و آبادی سعی و افری نموده است و آثار فراوانی از خود بیادگار گذاشته است یکی از آثار وی در تهران سرای اتابکیه است که به سرای امیر مشهور شده. سرای امیر با هم اقامه‌های ملک التجار در جمادی الثانیه ۱۲۷۰ باستان یافته این‌بنا دارای دو طبقه و مشتمل بر ۳۳۶ حجره بود و به‌قصد توسعه تجارت و داد و ستد مملکت ایجاد شد. یکی دیگر از آثار امیر سرای دیگری است در تبریز معروف به‌مان اسم سرای امیر که در موقع وزارت نظام خود در آذربایجان ساخته است. مسجد شیخ عبدالحسین یا مسجد ترکها واقع در بازار نیز از ابنيه دیگر امیر است که در ایام حیات وی با جام نرسید و پس از او خاتمه یافت.

در سال ۱۲۶۷ در نیاوران شمیران عمارت ییلاقی بدستور امیر بنا نهاده شد در سال ۱۲۶۸ امیر در سفر خود باصفهان دستور ایجاد ساختمانی را زدیک عمارت سعادت آباد کنار زاینده‌رود داد که معروف به‌نامی انا بکیه شده است و در همان شهر عمارت دولتی اشکوهی را باسم عمارت میدان در سبزه میدان ساخت که برای دادوستد بکار میرفت. در سال ۱۲۶۷ در چشمۀ علی دامغان عمارتی بنانهاد و بوسیله عبدالله خان معمار باشی در همان سال ارک معظمی در شیراز ساخت.

میرزا تقی خان در دوران کوتاه صدارت خود در احیاء آثار تاریخی ایران جد بليغ کرده است و دستوراً کيده به چراج غلائی خان زايم الحکومه اصفهان برای تعمیر و جلوگیری از خرابی پل خواجو داده.

۱۱ - توسعه صنایع و ایجاد کارخانه‌ها - امیر کمیر همچو است با ایجاد کارخانه‌های

مختلف عین همان مصنوعاتی را که از اروپا وارد میکردند در ایران بسازد. برای نیل به این مقصود اقدامات مؤثری کرد از این قرار: چون استاد عبدالحمید قناد مامور تصفیه شکر مازندران شده و در این راه موافقیت حاصل کرده بود امیر دوکارخانه شکر سازی درساری و بارفروش احداث نمود و با بن ترتیب تا اندازه‌ای مردم ایران نسبت بشکری که تا آن تاریخ از هندوستان وارد میشد بی نیاز شدند. در سال ۱۲۶۷ امیر در تهران و قم و اصفهان کارخانه‌های بلورسازی برپا ساخت که انواع و اقسام بلور در آنجا ساخته میشد و در همان سال در تهران و قم کارخانه چینی سازی را ایجاد نمود و کارخانه کاغذ سازی با مرآو در بیرون دروازه دولت تأسیس شد که کاغذهای آن معروف بکاغذهای امیری گردید بعلاوه در تهران کارخانه‌های ریسمان ریسی و کارخانه چلوار بافی. این راه تهران و شمیران و کارخانه حریر بافی در کاشان احداث نمود و چنانکه گفتیم برای توسعه صنعت چند نفر را بسر پرستی حاج میرزا محمد تاجر تبریزی بمسکو و بطرز بورلک فرستاد تا صنایع مختلف را بیاموزند. برای سهولت رفت و آمد امیر کبیر با همه‌ام حسین علیخان معیرالله لک کارخانه کالسکه سازی را در قورخانه تهران تأسیس کرد.

برای آنکه صنعتگران تشویق شوند وسائل فروش امتعه آنها بوسیله امیر فراهم می‌آمد چنانکه مخصوصاً لباس نظامیان را دستورداد که باشال چوخای پشمین مازندران بدو زند تا این متاع داخلی بفروش برسد و صنعتگران در توسعه صنایع خود سعی نمایند با هم ساعی معیرالملک سابق الذکر در ارک مصنوعات مختلف را بتوسط صنعتگران در معرض نمایش میگذاشت و غرفه‌ها و حجره‌های احداث کرد که این قبیل مصنوعات در دسترس عموم قرار گیرد.

میرزا تقی خان برای آنکه از حیث اسلحه و مهمات نیز محتاج خارج نباشد بتأسیس کارخانه‌های اسلحه سازی در نقاط مختلف مملکت اقدام کرد از آنجمله است کارخانه اسلحه سازی تهران - قورخانه تهران بتوسط حاج میرزا محمد حسین معروف به جبهدار باشی وجبه خانه اصفهان که در سال ۱۲۶۷ تأسیس شد از کارخانه‌های مزبور اسلحه مختلف بیرون آمد که تا اندازه‌ای از واردات این قبیل امتعه جلوگیری نمود. وزراء و رجال دیگر چنانکه گفتیم بعد از میرزا تقی خان امیر کبیر عده‌ای از

وزرا، دنباله اقدامات مفید او را گرفتند و در آوردن وسائل تمدن جدید با بران سعی بليغى نمودند از آنجمله بودند حاج ميرزا حسین خان مشير الدوله سپهسالار اعظم و حاج ميرزا يحيى خان مشير الدوله و ميرزا علی خان امين الدوله وبعضی از تجار مثل حاج محمد حسن اصفهانی امين الضرب و رجال دیگری هانند عليقلی ميرزا اعتضاد السلطنه . قبل از شروع به شرح اقدامات وزرا، و رجال هزبور باید متذکر شويم که پس از عزل امير كبار ناصر الدین شاهه قام صدارت عظمی را به ميرزا آقا خان اعتماد الدوله نوري داد . ميرزا آقا خان تاسال ۱۲۷۵ در آن شغل باقی بود و در همان سال ناصر الدین شاه ويرالز صدارت برگزار کرد و خود زمام امور را درست گرفت و وزارت خانه هائی چند بقلید همالک اروپائی تاسيس نمود مانند وزارت جنگ - وزارت مالية - وزارت داخله - وزارت خارجه وزارت علوم و وزارت وظائف - وزارت علوم راعا یقلی ميرزا اعتضاد السلطنه وزارت مالية را ميرزا يوسف مستوفی الممالک آشتیانی داشتند وزارت جنگ با ميرزا محمد خان قاجار هلقاب به سپهسالار بود . اين ترتيب تاسال ۱۲۸۱ که شاه ميرزا محمد خان قاجار سپهسالار وزیر جنگ را بمقام صدارت انتخاب نمود دوام داشت . ميرزا محمد خان تاسال ۱۲۸۴ در آن شغل باقی بود و در سنه هزبور ناصر الدین شاه ميرزا يوسف مستوفی الممالک سابق الذكر را بعنوان صدر اعظم برگزید و اين شخص تاسال ۱۲۸۸ با مور هملکتی رسيدگی هم گردد بعد از وعي مقام صدارت عظمی به حاج ميرزا حسین خان مشير الدوله سپهسالار اعظم رسيد . ناصر الدین شاه در سال ۱۲۸۷ بتعتباً رفت . در آن تاریخ حاج ميرزا حسین خان قزوینی مشير الدوله مقام سفارت ايران را در دربار عثمانی داشت . در اين همسافر شاه از خدمات سفير هزبور در دربار عثمانی اظهار رضایت كامل گرد و ويرا در موقع مراجعت بهتران خواست وزارت عدلیه و وظائف واوقاف را با مفهوم داشت . بعد از آنکه مستوفی الممالک از کارگاهه کيري کرد ناصر الدین شاه حاج ميرزا حسین خان را با لقب سپهسالار بوزارت جنگ منصوب نمود و ويرا در بیست و نهم شعبان سال ۱۲۸۸ بصدارت برگزید حاج ميرزا حسین خان يكی از مردم ترقیخواه ايران بود و در تعقیب اصلاحات امير كبار اصلاحاتی در این مملکت کرد و برای اینکه شاه را با وضع تمدن اروپا آشنا سازد با وجود مخالفت نشیدند و حانیون او را در سال ۱۲۹۰ بفرنگستان

برد . ناصرالدین شاه بعد از مراجعت از فرنگستان بر اثر مخالفت طبقه علماء با صدارت مشیرالدوله ناگزیر این مرد نامی را از شغل خود در درجه ۱۲۹۰ بر کنار کرد ولی وزارت خارجه را باز واگذاشت و در سال ۱۲۹۱ و برا ملقب به سپهسالار اعظم نمود . ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۵ برای دفعه نانی با رو پا رفت و در این سفر حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله با اوی همراه بود و پس از مراجعت از فرنگستان شاه او را در اداره امور مملکتی با مستوفی‌العمالک سابق‌الذکر شریک کرد تا آنکه در سال ۱۲۹۷ از وزارت خارجه و جنگ و سپهسالاری بر کنار بحکومت قزوین فرستاده شد و چندی نیز اداره امور آذربایجان با او بود و از آنجا مأمور در بار روسيه شد و بعد از مراجعت به تولیت آستانه قدس رضوی روانه گردید . مشیرالدوله تایبست و یکم ذی‌الحجہ ۱۲۹۸ که تاریخ فوت اوست در مقام اخیر باقی بود .

میرزا یحیی خان مشیرالدوله برادر حاج میرزا حسین خان سپهسالار پسر سوم مشیرالنبی خان قزوینی در سال ۱۲۴۷ بدینیا آمد است و در ابتدا جوانی از طرف پدر خود برای تحصیل و فراگرفتن زبان فرانسه به فرنگستان رفت و پس از مراجعت مترجم وزارت خارجه شد و بعد از چندی به نیابت سفارت در سن پطرز بورک بر قرار گردید و در سال ۱۲۷۵ مترجم مخصوص در بار ناصرالدین شاه شد . میرزا یحیی خان چون در کلیه مشاغلی که بوی واگذار شده بود لیاقت و کفايت خود را نشان داد در سال ۱۲۷۷ از طرف شاه مأمور اسلامبول شد و در سنه ۱۲۸۴ به لقب معتمد‌الملك ملقب گردید و بین سالهای ۱۲۸۸ و ۱۲۹۴ بترتیب بحکومت عراق - یزد - فارس و مازندران نائل آمد و در سال ۱۲۹۹ ناصرالدین شاه و بر املقب به مشیرالدوله کرد . میرزا یحیی خان مشیرالدوله در سال ۱۳۰۰ مأمور در بار روسيه شد و چون با ایران بازگشت به مقام وزارت عدليه و وزارت تجارت رسید و تا سال ۱۳۰۹ که تاریخ وفات اوست بهمان مقام برقرار بود .

بکی دیگر از رجال و وزرایی که ناصرالدین شاه را وادار به آوردن عضی از لوازم تمدن جدید به ایران کرده میرزا علی خان امین‌الملک پسر حاج میرزا محمد خان مجدد‌الملك سینکی است . میرزا علی خان بعدها ملقب به امین‌الدوله شده است اقدامات مفید این مرد بزرگ را در ایران باید نظیر اصلاحات امیر کبیر و حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله

سپهسالار اعظم شمرد.

وسائل تمدن جدید وسائل تمدن جدید که بهمت وزراء و رجال و بعضی از مردم خیرخواه دوران ناصرالدین شاه با ایران آمده بقرار ذیل است:

بستخانه پیش از روی کارآمدن امیرکبیر امور مربوط به پست ایران هائند قدیم بتوسط قاصد و یامچی اداره نمیشد اما امیر در سال ۱۲۶۷ در کلیه شهرهای معتبر این مملکت به ایجاد چاپارخانه دست زد و شفیع خان را بالقب چاپارچی باشی بریاست چاپارخانه گماشت و حکام و ولات را وادار کرد که در جمیع شهرها و راههای قلمرو حکومتی خود چاپارخانه‌های ایجاد نمایند. مطابق اطلاعاتی که در دست است در سال ۱۲۶۷ در راههای آذربایجان - گیلان - مازندران - گرگان - خراسان - فارس و کرمانشاهان ماهی دوبار چارها رفت و آمد میکردند و بسته‌های پستی و مکاتیب را میبردند. در سال ۱۲۶۸ بمبادرت فیروز میرزا نصرت‌الدوله بازده باب چاپارخانه مرتب در خط تهران و فارس و در سال ۱۲۶۹ در خط ساری و اشرف و در سال ۱۲۷۵ در خوی چاپارخانه‌ای ایجاد شد. سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه در سال ۱۲۸۳ چاپارخانه‌ای در خراسان در جنب رباط زعفرانی تأسیس نمود. بطور کلی در سال ۱۳۰۴ قمری عده چاپارخانه‌ها به هفتاد و در سال ۱۳۱۰ قمری به صد و هفتاد و دو باب رسید.

تاسال ۱۲۹۰ قمری اداره بستخانه ایران جزو وزارت داخله بود و ریاست آن را یکنفر بالقب چاپارچی باشی داشت ولی در آن تاریخ ناصرالدین شاه بستخانه را با اضمام وزارت رسائل به میرزا علیخان امین‌الدوله که آنوقت امین‌الملک نامیده میشد و بعدها در سال ۱۲۹۹ لقب امین‌الدوله را گرفت تفویض کرد. میرزا علیخان امین‌الدوله در سال ۱۲۹۱ هیئتی اطریشی را برای تنظیم اداره پست ایران آورد که ریاست آن با یکنفر موسوم به ریدر بود. ریدر قبل از آمدن ایران در کارخانه اطریش کار میکرد. مشاورالیه در سال ۱۲۹۲ شروع باداره امور پست تهران کرد و در کمتر از یک سال اولین پست‌سواره منظم ایرانی را هفته‌ای یکبارهین تهران و تبریز و جلفا با شعبه‌ای از قزوین به رشت ایجاد نمود و در سال ۱۲۹۳ بریاست کل بستخانه ایران منصوب شد ولی

در سال ۱۲۹۴ از آن شغل منفصل کردید و یکنفر دوسری موسوم به استال (۱) با نام قام رسید . استال دکتر آندرآس (۲) را بسمت هفتاد کل اداره چاپخانه ایران منصوب کرد و در نوزدهم شوال ۱۲۹۵ دولت ایران بعضویت در اتحاد عمومی پست بین‌المللی شناخته شد . اما پس از قلیل مدتی استال و آندرآس از کار برگزار شدند و چندی امور چاپخانه مختل هاند تا آنکه دو باره کار پست سروصورتی گرفت و هفته‌ای دو بار از راه رشت و باکو و راه تبریز و تفلیس بین ایران و اروپا و همچنین هفته‌ای یکبار بین ایران و هند از راه بوشهر و بین تهران و مشهد و یزد و کرمان و شیراز و کرمانشاه پست برقرار شد .

چنانکه گفته شد در سال ۱۲۹۰ اداره پست به میرزا علیخان امین‌الدوله واگذار شد . این شخص تا سال ۱۳۰۶ دو بار بوزارت پست رسید و در خلال این مدت مهدیقلی میرزا پسر محمدولی میرزا وزیر پست گردید .

پیش از میرزا علیخان امین‌الدوله اشخاص ذیل بترتیب از سال ۱۲۶۷ به بعد چاپچی باشی بوده‌اند : شفیع خان - اسماعیل خان حاج حسین خان شهاب‌الملک و میرزا تقی خان در سال ۱۲۹۷ اداره پست جزو وزارت رظایف که مشتمل بر اوقاف‌هم بودشد و میرزا علیخان امین‌الدوله چنانکه گفتیم وزارت پست رسید در آنوقت دولت سالیانه مبلغی نقد بوزارت‌خانه مزبور برای تعمیر و تدارک اکلوازم چاپخانه‌های راه‌های حکومتی و مبلغی نیز جنس از بابت علیق اسبهای چاپخانه می‌پرداخت . هر یک از راه‌های پستی از طرف وزیر پست در مقابل مبلغی سالیانه به یکنفر مقاطعه داده می‌شد و تدارک خدمه و حیوانات برای هر منزل بر عهده این شخص بود .

اداره پستخانه را تا سال ۱۳۱۲ میرزا علیخان امین‌الدوله داشت و در آن تاریخ چون وی از کار کناره گرفت اداره هزبور را به پسر خود میرزا محسن خان معین‌الملک واگذار کرد . معین‌الملک تا سال ۱۳۱۶ که هر تضییق قلیخان صنیع‌الدوله وزارت پست رسید بر سر کار بود . در سال ۱۳۱۸ بیگلر بیکی سردار منصور بمقام وزارت پست رسید . این مطلب را باید تذکر داد که وقتی در رمضان ۱۳۱۴ میرزا علیخان امین‌الدوله

رئیس هیئت وزراء و وزیر داخله شد چند نفر بلژیکی را برای اداره امور گمرک ایران استفاده کرد . از جمله این چند نفر بذکر نام نوز (۱) میپردازیم که ابتداء رئیس اداره گمرک در تهران و سپس رئیس کل گمرک ایران شد در سال ۱۳۲۱ بوزارت گمرک و پست رسید و با آنکه در کارهای راجع به پست و گمرک چندان با امانت و درستی رفتار نکرد و از اغتشاشات امور داخلی ایران تأثرا نیست استفاده نمود و جیب خود را پر کرد باز تشكیلات پستخانه جدید مدیون خدمات او و بلهزیکیها دیگر است که ریاست پستخانه و گمرک اغلب نواحی معمم مملکت در دست ایشان بود . اما در سال ۱۳۲۵ کلیه امور گمرکی و پستی از نوز و همراهانش گرفته شد و پست و گمرک با انضمام تلگرافخانه وزارت مستقلی را تشکیل داد منتها ریاست اداره پستخانه بایکنفر بلهزیکی و تفہیش پستخانه ایالات نیز بایکنفر دیگر از بلهزیکیها بود . از معروفترین رؤسائ پست کامپل مولیتورد نام داشت .

تلگرافخانه اولین خط تلگراف در زمان ناصر الدین شاه احداث شد با این معنی که در سال ۱۲۷۴ با مر ناصر الدین شاه خط تلگرافی بین قصر گلستان و باغ لاله زار کشیدند و در سال ۱۲۷۵ بتوسط علیقلی هیرزای اعتضادالسلطنه خط دیگری تا سلطانیه برقرار گردید و بعد از آن بتدریج یا توسط حکومت هند و کمپانی تلگراف هندوارو با ویابدست خود دولت ایران خطوط تلگرافی چندی در این مملکت احداث گردید . امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران از راه تبریز به کمپانی انگلیسی تلگراف هند اروپا مقیم مسکو که در تحت حمایت دولت روسیه بود واگذار شد . طول این خط تقریباً ششصد و نود کیلومتر بود و سه سیم داشت که دو تای آن متعلق بکمپانی مزور و سومی از آن دولت ایران بود .

امتیاز خطوط تلگرافی که بدولت انگلیس داده شد از این قرار بود: خط بین خانقین و تهران و بوشهر - خط بین تهران و بوشهر و خط بین تهران و سرحد بلوجستان امتیاز خط تلگراف بین تهران و خانقین و بوشهر در رمضان سال ۱۲۸۰ به انگلیس داده شد و در اواسط سال ۱۲۸۱ یک سیم از خانقین و همدان و تهران و اصفهان بشیراز کشیده شد

که هر بوط به مخابرات داخله و خارجه بود اما در سال ۱۲۸۲ امتیاز کشیدن سیم دیگری که مختص به مخابرات اروپا باشد بدولت مزبور واگذار گردید و در ضمن قرار شد پس از آن قضای مدت امتیاز تمام سیمهای وستونها و عمارانی که بنا شده بدولات ایران تعلق بگیرد.

در سال ۱۲۸۴ اداره زیمنس^(۱) آلمانی و برادران امتیاز خطی را گرفت که از لندن و راه آلمان وروسیه مستقیماً به تهران می‌آمد و منحصر به مخابرات هندوستان بود.^۰ این خط در سال ۱۲۸۶ شروع بکار کرد و زیمنس امتیاز خود را بکمپانی انگلیسی مقیمه هسکو موسوم به کمپانی تلگراف هند و اروپا واگذار نمود. در سال ۱۲۸۸ قراردادی بین میرزا سعید خان وزیر امور خارجه وقت و روئال الدومن^(۲) کفیل سفارت انگلیس در تهران راجع به کشیدن سیم دیگری بین تهران و بوشهر منعقد گردید. این قرارداد پس از چندی تاسال ۱۳۲۲ تمدید شد.

امتیاز دیگر در سال ۱۳۱۹ راجع به احداث خط تلگرافی مرکب از سه سیم بین تهران و سرحد بلوجستان بسته شد که از کاشان و یزد و کرمان می‌گذشت. مدت امتیاز تاسال ۱۳۴۳ بود. در سال ۱۳۲۷ یعنی در زمان استبداد صغیر قرارداد جدیدی بین دولتين ایران و انگلیس به نمایندگی میرزا جواد خان سعدالدوله و بارکله^(۳) منعقد شد که مدت امتیاز خطوط تلگرافی را که در دست حکومت هند بود تاسال ۱۳۶۳ تمدید کرد. کلیه خطوط مزبور در سال ۱۹۱۹ میلادی از طرف دولت انگلیس بدولت ایران واگذار شد.

راه آهن امین‌السلطان در سال ۱۳۰۶ ناصر الدین شاه را بفرنگ برد در این سفر که سفر سوم ناصر الدین شاه است پادشاه ایران در ضمن اقامت خود در لندن یک سلسله امتیازات به بارون ژولیوس دور رویتر^(۴) داد که از آنجمله امتیاز کشیدن راه آهن در بعضی از قسمتهای ایران بوده است. اما این امتیاز و امتیازات دیگر به علی چندان و گردید و تاسال ۱۳۰۰ هجری قمری راه آهن در این کشور کشیده نشده بود از آن تاریخ به بعد دولت ایران برای کشیدن راه آهن در بعضی از نقاط کشور امتیازاتی

بخارجیه اداد و حاج محمدحسن اصفهانی امین دارالضرب راه آهنی برای توسعه اقتصادیات مملکت کشید. ما در اینجا با شرح امتیازات مزبور و راه آهنی قدمی ایران می پردازیم.

۱- در سال ۱۳۰۰ هجری قمری دولت ایران امتیاز استخراج ذغال سنگ پشندو کشیدن خط آهنی از تهران با آن ناحیه را به بوآتال (۱) فرانسوی که در آن تاریخ در مؤسسه چراغ گاز تهران کار می کرد داد و پس از چندی قرار گذاشت راه آهن پشنده برشت و تهران و خلیج فارس را نیز بکشد. بوآتال برای نمونه راه آهن تهران حضرت عبدالعظیم را بطول ۸۷۰۰ متر کشید. چون صاحب امتیاز مزبور نتوانست از عهده انجام مقررات امتیاز نامه برآید و اتفاقاً در سال ۱۳۲۳ برادر مرض و با مرد دولت امتیاز مزبور و خط آهن تهران حضرت عبدالعظیم را بشرکت بلژیکی واکن بر قی واگذار کرد.

۲- حاج محمدحسن امین دارالضرب در سال ۱۳۰۸ قمری برای استخراج معادن حوالی شهر آمل و سرعت حمل و نقل آن از این ناحیه به بندر محمود آباد خط آهنی بطول شانزده کیلومتر کشید.

۳- دولت ایران در سال ۱۳۳۱ امتیاز کشیدن خط آهن تبریز جلفا و خط فرعی دیگری را از صوفیان به بندر شرفخانه به بانک استقراری روس داد و بانک مزبور تا سال ۱۳۳۴ آن خطوط را کشید. این راه آهن پس از بروز انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بموجب قرارداد اقتصادی بدولت ایران واگذار شد.

۴- در ایام جنگ بین الملل اول چون دولت روسیه در شمال غربی آذربایجان با عنمانیها زد و خورد داشت و تا بایزید پیشرفته کرده و آن ناحیه را اشغال نموده بود برای آوردن مهمات جنگی و سرعت عمل در انتقال نظامیان از قفقازیه به میدان جنگ به فکر کشیدن راه آهنی از قفقازیه به بایزید افتاد این راه آهن از ایستگاه شاه تختی در قفقاز شروع و پس از گذشتن از رود ارس و شهر هاکوبه بایزید هر بوط میشد. طول آن در خاک ایران صد و بیست فرسنگ بود.

۵- خط آهن دیگر خط میر جاوه نقطه سرحدی در بلوجستان بزاهدان است این خط را انگلیسها در دوران جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) از لحاظ سوق

الجیشی ساخته بودند و اصلاً دنباله خط آهن که به ۴ میل جاوه است که درین خواستند
بمشهد امتداد دهند طول آن در ایران ۱۶۷ کیلومتر بود.

۶- دیگر خط آهن سیاه وزان در خاک طالش است که بتوسط روسها برای
حمل ذغال هیزم برنج و سنگ به بندر ازولی ایجاد شده بود.

۷- دیگر از راه آهن‌های قدیمی ایران که برای حمل مال التجاره کشیده شده
بود خط رشت پیله بازار است که در سال ۱۳۲۵ قمری بتوسط روسها احداث شد.
طرول آن ۹ کیلومتر است.

در موقعیکه امتیاز خط آهن جلفا و تبریز به بانک استه راضی روس داده شد
امتیاز خط آهن میمراه تا خرم آباد نیز در ماه سفر ۱۳۳۱ بشرکت خط آهن ایران
متعلق به انگلیسها و اگذار گردید و قرار شد این خط بتوسط اعضاء آن شرکت لینچ
سلیگمن (۱) و گرینوی (۲) شروع به نقشه برداری و عملیات کنند اما راه آهن مزبور
در آن تاریخ کشیده نشد

ضرابخانه شاردن (۳) فرانسوی که دو بار در زمان صفویه (شاه عباس دوم
و شاه سلیمان) در سالهای ۱۰۷۶ و ۱۰۸۸ با ایران آمد سفرنامه هائی نوشته که بر
طبق آنها معلوم میشود در آن دوره دستگاه چرخی برای سکه زدن در ایران معمول
نباوده است و سکه را بوسیله چکش میزدند. مسافر هزبور باز هینویسد که پادشاه
ایران حقی که از بابت ضرب سکه میگیرد نسبت بهم لک دیگر زیادتر است. تا پیش
از دوره ناصرالدین شاه هر یک از شهرهای عمدۀ ایران ضرابخانه جداگانه داشت و
و دولت یکنفر را بعنوان معیر در هر یک از آنها میگماشت بهمین مناسبت در نقش
وعیار سکه های نواحی مختلف اختلافاتی پیدا میکرد. ناصرالدین شاه در اوائل سلطنت
خود آلات و ادوات ضرابخانه از اروپا آورد و آقامحمد ابراهیم خان آبداد باشی
امینالسلطان را بریاست ضرابخانه انتخاب نمود. بعد از وی یعنی از سال ۱۳۰۰
ریاست ضرابخانه به حاج محمد حسن اصفهانی امین دارالضرب داده شد. در آن تاریخ
اداره ضرابخانه جزو وزارت هایی و دارای هفتاد نفر عضو بوده است. در سال ۱۳۰۷

بانک شاهنشاهی ایران تاسیس شد و اداره ضرابخانه در دست این بانک قرار گرفت در سال ۱۳۱۳ پس از جلوس مظفر الدین شاه ضرابخانه جزو وزارت داخله شد و وزارت داخله با نضمam وزارت خزانه در سنوات ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به توسط هر تضییقی قلیخان صنیع الدوّله اداره میشد میرزا علیخان امین الدوّله در سال ۱۳۱۵ عده ای از بلژیکیها را برای تنظیم امور مالی ایران استخدام کرد که از آنجمله آنگلس بود. آنگاس از از طرف امین الدوّله مأمور اداره ضرابخانه شد و در این زاه خدمات شایانی کرد و ضرابخانه ایران در واقع بر اثر همت وی تاسیس شد و بصورت ضرابخانه های جدید دنیا درآمد. پس از تغییر حکومت ایران و اعطاء مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ضرابخانه ضمیمه اداره خزانه گردید و در مدت استبداد صغیر که از ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ تا ۲۴ جمادی الآخری ۱۳۲۷ طول کشید محمد علی شاه ریاست ضرابخانه را به حاج محمد اسماعیل آقای آذربایجانی معروف به هغازه دادش و ستر در کتاب اختناق ایران مینویسد که ضرابخانه این کشور میتواند ماهی هفتاد هزار تومنان پول سکه بزند تا سال ۱۳۲۸ اشخاص متفرقه نقره را وارد میکردن و بر طبق قرارداد مخصوصی بدولت برای ضرب سکه میدادند. اگر نقره بموضع نمیرسید ضرابخانه از کار میافتاد در سال مزبور وارد کردن نقره منحصر بخود دولت و از آن پس ضرابخانه هنوز مغلوب کار شد.

چاپخانه چاپخانه (۱) و مطبوعه وبصمه خانه که بهر سه اسم در ایران نامیده میشود در زمان قاجاریه به این مملکت آمده است. واضح است مطبوعه از طباعت و طبع هشتق شده اما منشاء القطب چاپ که در هندستان گاهی چاهاپ هم نوشته میشود کامل روش نیست بعضیها آنرا مأخذ از کلمه چاو مغولی یا چینی که اسم پول کاغذی متداول در عهد گیوهاتو یکی از ایلخانان مغول ایران بوده میدانند و برخی دیگر معتقدند که لفظ مزبور اصلا هندی بوده. لفظ بصمه یا باصمه با آنکه در ظاهر ترکی بنظر میاید و در ترکی عثمانی اسم مصدر از فعل بسمق است و بمعنی عمل طبع در همان زمان استعمال می شود منشأ اصلی آن درست واضح نیست چه این لفظ از عهد مغول معمول بوده و در آن عهد تصویر پادشاهان مغول را بصمه میگفتند.

۱- این موضوع عیناً با کمی تصرف از شماره ۵ دوره جدید کاوه نقل شده است.

حال که بذکر منشأ لغوی چاپخانه و مطبوعه و بضم خانه پرداختیم شروع بشرح تاریخیچه مطبوعه در ایران میکنیم: ظاهراً اولین مطبوعه‌ای که با ایران آمد و معروف به بضم خانه شده بود چنان‌که آنزو دو سن ژوف (۱) از مبلغین فرقه نصارای شهر تولوز فرانسه در کتاب لفت فرنگی و فارسی خود که در حدود سنه ۱۰۸۱ تالیف کرده است و آنرا در سال ۱۰۹۶ هجری بطبع رسانیده تحت عنوان کلمه باضم خانه این‌طور مینویسد: «بلغین نصارا بضم خانه عربی و فارسی در عبادت‌خانه خودشان در اصفهان دائر کرده بودند و هنوز هم دائر است و ارامنه نیز در جمله‌ای باضم خانه ارمنی دارند» بعد از این جمله میگوید که هیچ‌کدام از مطبوعه‌ها پیشرفت نکردند و این مسئله بعلت خشکی مفترط هواست (۲). از عبارت فرانسه مبلغ مزبور در کتاب خود که بلفظ «اجداد ما» گفته است نباط میشود که مطبعة مزبور در اوائل قرن یازدهم هجری وارد ایران شده است و با اطلاعی که در دست داریم هیدانیم بلغین مسیحی کاتولیک در ابتداء همان قرن باصفهان آمدند.

معروفترین مبلغین مزبور سیمون مرالس (۳) بود که با ایران آمد با این معنی که فیلیپ دوم پاشاه اسپانیا بنایب السلطنه خود در شهر گوتا پایتخت مستعمراتی آن دولت دستور داد که برای اشاعه ذهب مسیح در ایران یکنفر را با این سر زمین بفرستد. هاسکار ناس (۴) نایب السلطنه هم سیمون مرالس را مأمور انجام این مهم کرد. این شخص علاوه بر مقام شامخی که در عالم روحانیت داشت بزبان فارسی نیز آشنا بود.

بعد از فیلیپ دوم پسرش فیلیپ سوم که مثل پدر خود میخواست روایطی با ایران داشته باشد بی‌حکومت هندوستان نوشت که کسی را با ایران گسیل دارد این بار نایب السلطنه هندوستان هیئتی را از کشیشان طریقه اکوستن (۵) بخدمت شاه عباس کیم فرستاد که اعضاء مهم آن کریستوف و آنتوان دو گووئا (۶) نام داشتند (۱۰۱۱ هجری)،

1-Ange de Saint Joseph

۲ - لانگلس Langlès در حواشی خود بکتاب شاردن Chardin سیاح مشهور فرانسوی همین فقره را از کتاب آنزو دسن ژوف اقل کرده است ولی عقیده راجع بتائیر خشکی هوارا رد مینماید.

3—Simon Moralès 4—Mascarenhas

5—Augustins 6—Antoine de Gouvea

بنا براین آمدن مطبوعه را در ایران باید بین سال‌های ۱۰۲۰ و ۱۰۳۰ مجري دانست که بتوسط همین مبلغین دائر شد و بعضی اوراق بزبان عربی و فارسی درادعیه و اذکار همیجی بچاپ رسانندند

در جلفای اصفهان هم ارامنه از قدیم الأيام یک چاپخانه ارمنی دائر کرده بودند این مطبوعه بنابراین هو توم شیندلر (۱) « تقریباً سی سال بعد از آنکه شاه عباس اول در سال ۱۳۱۳ چند وزار خانواده ارمنی را از جلفای قفقازیه باصفهان کوچانید و در نزدیک آن شهر ساکن ساخت کتب عتعدد با حروف ارمنی چاپ کردند که تاریخ چاپ آنها سال ۱۰۵۰ و در کتابخانه‌ها موجود است و بعضی از حروف قدیم ارمنی مطبوعه مزبور هنوز در کلیسا‌ای جلفا باقیست »

در دائرة المعارف برتانیا در تحت عنوان ادبیات ارمنی . ذکر یکورق بزرگ بزبان ارمنی چاپ جلفای اصفهان که در سال ۱۰۵۰ بطبع رسیده آمده است . ورقه مزبور هر بوط بمسائل دینی است . از آنچه کفته شد معلوم میگردد که مطبوعه عربی در ایران قبل از عثمانی وارد و در عثمانی مطبوعه عربی در سال ۱۱۴۱ دائر شد و ترجمة ترکی صحاح جوهري با آن حروف در آنجا بچاپ رسید .

خود ایرانیها اساساً در صدد آوردن مطبوعه با ایران نبودند و سالیان دراز از این مسئله بی خبر نیز بسته شاردن سابق الذکر در کتاب خود میگوید:

« ایرانیان تا بحال بکرات در صدد آوردن مطبوعه و بکارانداختن آن برآمده‌اند و بمنافع آن نیز اطلاع دارند اما تا بحال با جام این امر موفق نشده‌اند برادر وزیر اعظم که در نظر شاه بسیار مقرب است در سال ۱۰۸۷ از من درخواست کرد که عده‌ای کارگر از فرنگستان برای آموختن فن چاپ با ایران بیاورند و از شاه هم در این خصوص اجازه داشت اما وقتیکه پای پول بمبان آمد همه چیز برهم خورد» کار آوردن مطبوعه با ایران متجاوز از صد سال به تعویق افتاد تا آنکه در دوران سلطنت فتحعلیشاه اولین مطبوعه در تبریز دائر گردید. در باب این مطبوعه شیخ‌دار چنین مینویسد: « در سال ۱۲۳۳ شهصی موسوم به آقا زین العابدین تبریزی اسباب و آلات مختصراً با صمه خانه را به تبریز آورد و در تحت حمایت عباس‌بهرزا نایب‌السلطنه که در آن زمان حکمران آذربایجان بود مطبوعه کوچک سری را برقرار ساخت و بعد از مدتی کتابی را موسوم به فتح‌نامه بچاپ رساند این کتاب نخستین کتابی بود که در ایران با حروف عربی چاپ شد و مؤلف آن هیرزا ابوالقاسم قائم مقام است و شرح جنگ‌هایی که در سال ۱۲۲۷ میان دولت‌بن روس و ایران بوقوع پیوسته بیان کرده. فتحعلیشاه هیرزا زین العابدین سابق الذکر را در سال ۱۲۴۰ بدار الخلافه احضار کرد و این شخص قرآن مجید را بخط هیرزای نیریزی که معروف به قرآن معتمدی شده با مر منوچهرخان هعتمد الدوله بچاپ رساند. برای آموختن فن چاپ عده‌ای بیش هیرزای زین العابدین به شاگردی مشغول شدند که یکی از آنها هیر باقر اود هیر باقر بعدها ناسخ التواریخ تألیف لسان الملک سپه را چاپ کرد در کتاب آن‌سلطانی که بتوسط ملا محمد باقر تبریزی در اوخر ماه ربیع‌الثانی ۱۲۴۱ در تبریز بچاپ رسیده در ضمن شرح مطبوعه اشاره‌ای به هیرزا زین العابدین تبریزی سابق الذکر وجود دارد که میگوید هیرزای مذبور به اعتمام منوچهرخان هعتمد الدوله مجلداتی را از کتب حدیث بچاپ رسانده. بعد از فوت عباس‌بهرزا در سال ۱۲۴۹ بساط مطبوعه تبریز برچمده شد.

در سال ۱۲۴۶ یک نفر روسی مطبوعه کوچک سنگی را به تبریز آورد این مطبوعه از سال

۱۲۵۶ شروع بکار کرد در سال ۱۲۵۹ آقابعدالعلی نامی مطبوعه سنگی را به تهران وارد نمود و در همان سال کتاب المعمجم فی آثار دلوك العجم را که تألیف میرزا عبدالله ابن فضل الله است به چاپ رساند. تاریخ پطر کمیر در مطبوعه مزبور بزبور طبع آراسته شد آقا عبدالعلی بس از چندی مطبوعه سابق الذکر را به آقامیر باقر واگذار کرد. مطبوعه سنگی در شیراز در سال ۱۲۵۴ و در اصفهان در سال ۱۲۶۰ ایجاد گردید قرآن مجید در مطبوعه شیراز و رسالته حسنیه در مطبوعه اصفهان چاپ شد.

آنچه تا حال ذکر کردیم هر بوط به تحقیقات شیندلر بود اما در کتاب مطبوعه در خارج از فرنگستان (۱) که بزم فرانسه نوشته شده مؤلف آن بالاضای مجهول یک کتاب شناس (۲) تاریخ مطبوعه هارادر کلیه شهرهای دنیا غیر از فرنگستان بترتیب حروف تهیجی اسمای شهرها و ممالک ذکر میکند. در کتاب مزبور در خصوص اولین مطبوعه در ایران در تحت عنوان تبریز میگوید: «دکتر کوتون (۳) میگوید که در سال ۱۲۳۹ هجری جوانی موسوم به میرزا جعفر اولین مطبوعه سربی را در تبریز داعر کرد و اولین کتابی که در آنجا چاپ رسید گلستان مزبور بنا بر قول ساسی (۴) و کاتر مر (۵) در سال ۱۲۴۱ و بقول کوتون در سال ۱۲۴۲ چاپ رسیده است - غیر از کتاب گلستان کتاب دیگری معروف به تاریخ قاجاریه تألیف عبدالرزاق بن نجفقلی نیز در آن مطبوعه چاپ شده. در کتاب مطبوعه در خارج از فرنگستان در تحت عنوان تهران باز شرحی به نقل از روزنامه آسیائی مبلغین انگلیسی درباره کتب مطبوعه در تهران درج شده است و میگوید آن کتب در چاپخانه معتمدالدوله به اهتمام ملا عباسعلی چاپ رسیده است و اسامی بعضی از آن کتابهای نیز ذکر مینماید.

در رسالهای که مرحوم آقامیرزا محمدعلیخان تربیت در خصوص مطابع ایرانی تألیف کرده بود و موسوم به ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی (۶) است چنین آمده: «در حدود سال ۱۲۴۰ عباس میرزا نایب السلطنه میرزا جعفرخان تبریزی را به

1-Imprimerie Horsde Europe 2-Un Bibliographe 3-Cotton

4-Silvesterde Sacy 5-Quatremere

6- این کتاب متساقانه بفارسی چاپ نشده است و ترجمه انگلیسی آنرا مرحوم ادوارد بران مستشرق شهریار انگلیسی منتشر کرده است.

مسکو فرستاد که يك دستگاه چاپخانه سنگي بياورد و آن صنعت را نيز بياوزد وي دستگاهی به تبريز آورد و دائر کرد - مشهدی اسدآقا با صمهچی معروف به تبريزی که خودش در وقت تالیف کتاب يعني در سال ۱۳۳۰ قمری زنده و مطبوعه قدیمی هنوز در تبريز دائر است روایت میکند که میرزا صالح شیرازی میرزا اسدالله نامی را از اهل فارس با هم خارج زیاد برای یادگرفتن صنعت چاپ به سن پطرزبورک فرستاد و مشارالیه پس از مراجعت به تبريز بدستیاری آقارضا (پدر مشهدی اسد آقار اوی این روایت) مطبوعه سنگی تاسیس نمود و اولین نسخه‌ای که در آن مطبوعه چاپ شد قرآن مجید بود بخط میرزا حسین خوش نویس معروف . بعد از بیج سال شاه این مطبوعه را با اجزاء و عمل آن به تهران خواست و اولین کتابی که در تهران در مطبوعه مزبور به چاپ رسید دیوان میرزا عبدالوهاب معتمد الدوام متخلص به نشاط بود در کتاب موسوم به کتاب‌شناسی شرقی تالیف زینکر (۱) و در کتاب کتاب‌شناسی ایران تالیف شوآب (۲) و کتاب فهرست کتب عربیه و فارسیه و ترکیه منتشره در اسلامبول تألیف بر بهار درن (۳) چاپ پطرزبورک اسامی کتب زیادی از قدیمترین مطبوعات ایران نسبت است که چند قفره از آنها را ذیلاً ذکر میکنیم رسالت حسنیه چاپ اصفهان (به قول زینکر در ۱۲۴۴ و بقول درز در ۱۲۴۸) . قرآن چاپ شیراز ۱۲۴۵ - مجرق القلوب نراقی چاپ تهران (به گفته شواب در ۱۲۳۹ و بگفته درن در ۱۲۴۸) - جلاء العيون و عن الحياة و حياة القلوب و مفتاح النبوة ۱۲۴۰ - نخبة کلام‌اسی چاپ اصفهان ۱۲۴۶ - گنجینه معتمد الدوام میرزا عبدالوهاب متخصص به نشاط چاپ تهران ۱۲۶۶ - علاوه بر کتی که ذکر شد اسامی کتب متعدد دیگری در مآخذ هزبور موجود است که از سال ۱۲۳۹ به بعد در تبريز و تهران و اصفهان به چاپ رسیده است . برای مزید اطلاع این نکته را بادآوره می‌شویم که در کتاب مشاهیر الشرق تالیف جرجی زیدان در ضمن شرح حل نام رالدن شاهزاده ارا به نقل از قول هبر زامه‌هدی در جریبدۀ حکمت فارسی منتشره مصر آمد که اولین مطبوعه را عباس میرزا نایب السلطنه در تبريز تأسیس کرد و میرزا صالح شیرازی و میرزا محمد جعفر تبریزی مشهور به امیر را به پطرزبورک فرستاد و چهارده دستگاه اسباب يعني چرخ مطبوعه‌سنگی طرز قدیم را

آوردند و در تبریز مطبوعه‌ای تاسیس کردند.

از قرینه انتشار روزنامه فارسی در تهران در حدود سال ۱۲۵۰ که میرزا صالح شیرازی دائز کرده بود و با چاپ سنگی منتشر میشد استنباط میکردد که تاسیس چاپ سنگی در تهران قدیمتر از آن است که هوتم شیندلر باداشت کرده است. پس از تبریز و تهران وظاهر از بعد از شیراز و اصفهان او لبین شهری که مطبوعه در آن پیدا شده شهر اورمیه بود که در سال ۱۲۵۶ دعات مسیحی امریکائی در آنجا مطبوعه سربی عربی و سریانی و انگلیسی داهم نمودند. دکتر پرسکین^(۱) یکی از مبلغین آمریکائی در اورمیه در کتاب هشت سال در ایران راجع به او لبین مطبوعه مبلغین مسیحی چنین مینویسد: «در هفتم نوامبر ۱۸۴۰ میلادی (دوازده رمضان ۱۲۵۶) بریث^(۲) مطبوعه‌چی از آمریکا برگشت و مطبوعه مارا که کوچک و قابل نقل بود آورد و در یست و یک نوامبر (۲۶ رمضان) آنرا بکار انداخت و بعضی قطعات دعا بزبان سریانی در مطبوعه مزبور چاپ شده. مسلمانان شهر نیز از آمدن مطبوعه ماراضی بودند و منجم باشی اورمیه باداره مار جوع کرد و تقاضای چاپ تقویم خود را برای سال ۱۲۵۷ نمود. درسی نوامبر (۵ شوال) شروع به طبع زبور در زبان سریانی قدم کردیم».

بعد از اورمیه به ترتیب در شهرهای ذیل مطبوعه وارد شد: بوشهر مشهد ارزلی رشت اردبیل همدان خوی بزد قزوین کرمانشاه کرمان گروس و کاشان. با آنکه ابتدا در ایران چاپخانه سربی را آوردند هدعتها این چاپخانه منسونخ شد و چاپ سنگی دائز گردید تا آنکه در سال ۱۲۹۰ ناصر الدین شاه در موقع مسافرت به فرنگستان چندی در اسلامبول توقف کرد و در آنجا یک دستگاه چاپخانه با حروف عربی و فرنگی بقیمت پانصد لیره عثمانی خرید و آن دستگاه را بایکنفر حروفچیان به تهران فرستاد و چندی در این شهر باقی ماند تا آنکه در سال ۱۲۹۲ بارون اوئی دونرمان^(۳) اجازه نشر روزنامه فرانسه پاتری^(۴) (وطن) را تحریصیل کرد و مطبوعه را بکار انداخت در تبریز قاسم خان پسر علیخان والی ملقب به سردار همایون در سال ۱۳۱۷ یک دستگاه

1 - Perkin 2 - Breath 3-Baron Louis de Norman

4-Louis de Norman 2-Patrie

مطبوعه سری تهیه نمود و در همان اوقات بک مطبعه کوچک هم در اداره محمدعلی میرزا ولیعهد ایجاد گردید که شرح نهج البلاغه تالیف ابن ابی الحدید را نجات چاپ رساندند. این مسئله را نز باید متذکر شد که طبع با حروف عربی و نشر کتب عربی و فارسی در اروپا مدت‌های زیاد پیش از رواج طبع در مشتری زمین بوده و قرآن و کتب تفسیر و کتب علمی مسامین در فرنگ بطبع رسیده است و غالباً در مشرق زمین از روی همین چاپها دوباره چاپ گردیدند. قرآن همچند در حدود سه قرن و نیم قبل در اروپا بطبع رسیده است در صورتیکه در ممالک اسلامی طبع آن دویست سال بعد از آن انجام گرفته.

روزنامه لفظ روزنامه و روزنامه‌چه از قرون اولیه اسلام در ایران معمول بوده است و در کتب قدیم بنظر می‌اید در یقینه الدهر تعالیٰ کلمه روزنامه مکرر آمده است در بعضی از کتب ذکری از روزنامه صاحب بن عباد نیز دیده می‌شود و معلوم گردد که روزنامه در آن اوقات معنای شرح گزارش و باداشتهای دوزانه بوده است. در قرون اخیر روزنامه معنای گزارش و قابع نگاران دولتی که از ولایات و ایالات اخبار جاری را به دولت مینوشتند داشته‌چنانکه در روزنامه و قابع اتفاقیه که در عهد صدارت میرزا تقی‌خان امیر کبیر و بعد از آن منتشر می‌شده اخبار نواحی مختلف ایران را در آن مینوشتند و مقصود از قابع اخبار خبرنگاران رسمی بوده نه روزنامه چاپی. اولین روزنامه‌چاپی که بطریز و روش جرائد فرنگستان چاپ شده بطور تحقیقی معاوم نیست کدام روزنامه است اما در کتاب «مطبعه خارج از اروپا» ذکر شده که روزنامه ایرانی اخبار ایران در سنه ۱۲۱۳ قمری، (مطابق ۱۷۹۸ میلادی) در هندوستان منتشر شده است در صورت صحت این گفته احتمال کلی دارد که این روزنامه بزبان فارسی بوده و ممکن است اسم آن اخبار فارسی باشد چون اخبار را در هندوستان روزنامه می‌گویند.

اولین روزنامه‌چاپی که بزبان فارسی در خود ایران بطبع رسیده و انتشار یافته است روزنامه ایست که در سال ۱۲۵۳ در تهران بتوسط میرزا محمد صالح مهندس (۱)

۱- میرزا محمد صالح پسر حاج باقرخان کازرونی شیرازی است و از جمله پنج ☆

شیرازی با چاپ سنتگی منتشر میشد. میرزا صالح مدتو در انگلیس تحصیل میگرد و پس از بازگشت با ایران در شهر تبریز، آلات و ادواتیکه همراه آورده بود در صدد تاسیس چاپخانه و روزنامه برآید و چنانکه گفتیم در سال چهارم سلطنت محمد شاه قاجار روزنامه‌ای دولتی منتشر ساخت. این روزنامه ماهی یکبار انتشار می‌یافتد و تاریخ انتشار شماره اول آن دو شنبه ۲۵ ۶ محرم سال ۱۲۵۳ است. روزنامه هزار بار با قطعه بزرگ یکورقی و چاپ سنتگی و کاغذ خان بالغ چاپ میرسید و نام مخصوصی نداشت و در آخر صفحه اول آن نشان دولتی ایران موجود بود و همین روزنامه است که با تغییراتی چند بصورت روزنامه و قایع اتفاقیه در آمد است. میرزا صالح سه ماه قبل از انتشار شماره اول روزنامه‌خود در او اخر ماه رمضان ۱۲۵۲ طلیعه‌ای منتشر ساخت که انتشار روزنامه را بوسیله آن بمقدم اطلاع داد که در واقع صورت شماره خاصی را داشته است. روزنامه میرزا محمد صالح تا سال ۱۲۵۵ انتشار یافت.

دومین روزنامه‌ای که در ایران منتشر شد روزنامه‌ایست بزبان سریانی و موسوم به زارارات بار در شهر اورمیه. روزنامه هزبور از طرف مبالغین ادریکائی برای اهالی آذربایجان انتشار یافتد و شماره اول آن در شاهزاده هم صفر ۱۲۵۷ از چاپ خارج شد. این روزنامه ماهیانه بود.

سومین روزنامه ابرانی که دومین روزنامه بزبان فارسی است روزنامه و قایع

نفری بود. که در سال ۱۲۳۰ از طرف میرزا بزرگ قائم مقام اول و بدمتر عباس میرزا نائب‌السلطنه برای آموختن فنون مختلف بلندن رفتند. میرزا صالح سابق‌الذکر در سال ۱۲۳۵ با ایران مراجعت کرد. این شخص در مدت اقامت خود در انگلیس زبانهای فرانسه و انگلیسی و لاتینی را آنوقت و در علوم طبیعی و تاریخ کار کرد و تحقیقاتی در بعضی از فنون مانند ساختن مرکب چاپ و تهیه حروف و بشه‌سازی نمود. میرزا صالح شیرازی مأمور تعلیم شاگردان شد و در دستگاه قائم مقام اول و عباس میرزا بترجمه مکاتیب سیاسی می‌پرداخت و در سال ۱۲۳۷ از طرف نائب‌السلطنه بعنوان سفارت بلندن رفت و در سال ۱۲۴۵ با تفاق خسرو میرزا و همراهان دیگر مأمور پطرز بورک شد از تاریخ وفات او اطلاع صحیحی در دست نیست.

اتفاقیه است . شماره اول این روزنامه در جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ انتشار یافت و قایع اتفاقیه بدستور و تشویق میرزا تقیخان امیرکبیر و مدیریت حاج میرزا جبار تذکره‌جی که قبل از آن تاریخ قونسول ایران در بغداد بود منتشر هیشد و چنانکه در مبحث مخصوص به اقدامات امیرکبیر اشاره کردیم ادوارد بر جس که از طرف عباس میرزا نایب‌السلطنه برای امور مر بو طبه چاپخانه و مطبوعات از انگلیس استفاده شده بودجهت مترجمی و مباشرت روزنامه مزبور انتخاب گردید . این شخص ملاقات‌عامی و اطلاعات مفیدی را که ترجمه می‌کرد در واقع اتفاقیه بچاپ میرساند . و قایع اتفاقیه روزنامه‌ای بود هفتگی که با چاپ سنگی بطبع میرسید و تا شماره ۶۵۶ هر تیا هر هفته بیرون می‌آمد ولی از آن بعد نامرتب شد .

پس از روزنامه و قایع اتفاقیه روزنامه‌های متعددی در تهران و تبریز تأسیس و منتشر شده است و تا آنجاکه اطلاع داریم قدیمترین روزنامه‌ای که بعد از وقایع اتفاقیه انتشار یافته جریده‌ایست در تبریز . چه در شماره اول سال ۱۲۷۵ و قایع اتفاقیه خبری راجع به آن جریده دیده می‌شود و از آن خبر معلوم می‌گردد که در حدود ماههای رجب و شعبان سال هزیور این روزنامه در تبریز انتشار می‌یافته و گویا اسم آن آذربایجان بوده است .

روزنامه مفرح القلوب نیز یکی از روزنامه‌های است که بزبان فارسی در بندر کراچی هندوستان منتشر می‌شده و گویا از سال ۱۲۷۲ انتشار آن شروع شده است در اوائل ناشر آن محمد شفیع نامی بوده است و در سال ۱۲۸۷ مقالات و نوشته‌های آن با مضای میرزا مخلص‌علی صاحب میرسیده و در سال ۱۳۰۲ ناشرین آن میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق کنسول ایران در کراچی بوده‌اند .

از روزنامه‌های دیگر فارسی که در خود ایران انتشار یافته باید بذکر روزنامه ملتی و روزنامه علمیه دولت علیه ایران و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه مربخ پردازیم :

در سال ۱۲۸۳ ناصرالدین شاه اداره امور مملکتی را چنانکه میدانیم . بین وزارت‌خانه‌های چند تقسیم کرد و اداره وزارت علوم و صنایع و تجارت و مدرسه

دارالفنون و دارالطبائعه را به علیقلی هیرزا اعتضاد السلطنه واگذار نمود و در همان سال روزنامه ای با اسم روزنامه ملت سنتیه ایران منتشر شد که پس از انتشار دو شماره معروف به روزنامه ملتی گردید و چه تسمیه روزنامه هزبور به ملتی آنست که روزنامه های دیگر همانند و قایع انفاقیه روزنامه رسمی بود و هر کس حق درج مقاله را در آنها نداشت و ناصرالدین شاه برای آنکه فکر آزادی مطبوعات و انتشار مقالات بین مردم توسعه یابد روزنامه ملتی را اجازه تأسیس داد . چنانکه در نمره اول روزنامه این عبارت دیده میشود : « از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه امرو ، قدر است که روزنامه ملتی بر سبیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از فوائد آن بهره یابند » گویا نویسنده مقالات که بدون امضاء چاپ میشده حکیم سامانی (۱) بوده است .

روزنامه ملتی ماهی یکبار با چاپ سنگی در مطبعة دارالانتباع دولتی واقع در مدرسه دارالفنون بچاپ هیرسید و مندرجات آن بیشتر هر بوط بشرح حال شعرای قدیم و جدید ایران و شرح وقایع دربار بود .

روزنامه علمیه دولت علمیه ایران نیز در زمان وزارت علوم اعتضاد السلطنه منتشر شد و شماره اول آن در غرہ شعبان ۱۲۸۰ قمری در تهران انتشار یافت این روزنامه مدت هفت سال یعنی تا شوال ۱۲۸۸ منتشر شد و پنجاه و سه شماره از آن توزیع گردید و در تاریخ اخیر روزنامه هزبور تعطیل و بجای آن روزنامه ایران سلطانی نشر شد و امور هر بوط بحرائید به محمدحسن خان واگذار گردید . روزنامه علمیه ماهی یکبار منتشر میشد و پس از انتشار شماره هفده یکسال تعطیل گردید و دوباره طبع و اشر شد تاریخ انتشار ثانی آن ماه محرم ۱۲۸۳ بود چون در این روزنامه از علوم و صنایع جدید بحث میشد آنرا روزنامه علمیه نامیدند .

دیگر از روزنامه های دوران ناصرالدین شاه روزنامه علمی است که نمره اول

۱- محمدحسن بن قاآنی شیرازی معروف به حکیم سامانی جوانی خوش قریحه و با فضل بوده و در سال ۱۲۸۳ از طرف ناصرالدین شاه با خذ نشان و حمایل و منصب سرهنگی نائل آمد و در سال ۱۲۸۵ فوت شد .

آن در روز دوشنبه ۲۲ ذی الحجه ۱۲۹۳ قمری در مطبوعه سنگی در چهار صفحه خشته بچاپ میرسید و تاسیس آن در زمان وزارت علوم محمدحسن خان صنیع الدوله اتفاق افتاد و در این روزنامه برخلاف روزنامه هایی که در زمان اعتضاد السلطنه منتشر نمیشد اسمی از موسس و ناشر آنها دیده نمیشد در آخر آن کلمه محمدحسن که مقصود محمدحسن خان صنیع الدوله رزیر انتباوات باشد چاپ میگردید. روزنامه علمی هدت چهارسل و شصت و سه شماره از آن انتشار یافت و آخرین شماره آن روز شنبه سوم ربیع الاول سال ۱۲۹۷ منتشر شد.

از روزنامه های دیگر که در زمان ناصرالدین شاه طبع و انتشار می یافتد روزنامه دولت علیه ایران است. این روزنامه در سال ۱۲۷۷ در تهران تاسیس و با هتمام میرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی کاشانی هلقب به صنیع الملک دادر شد و در واقع دنباله روزنامه و قایع اتفاقیه بود روزنامه علیه ایران پس از تعطیل روزنامه و قایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۷ بجای آن منتشر شد. از خصوصیات روزنامه مزبور تصاویر و نقاشی های متعددی است که از شاهزادگان و رجال و حکام و امراء دوران ناصرالدین شاه در هر شماره چاپ میگردید و این تصاویر بتوسط صنیع الملک (۱) مباشر چاپ روزنامه نرسیم میشد روزنامه صنیع الملک تا سال ۱۲۸۷ دادر بود.

روزنامه دیگر روزنامه هریخ است که نمره اول آن روز دوشنبه پنجم محرم ۱۲۹۶ قمری در دارالطباعة خاصه در ارک همايون بقطع وزیری در چهارصفحه با چاپ سنگی و بخط نستعلیق طبع میشد. در این روزنامه حوادث نظامی و بعضی مطالب علمی منتشر میشد. در هر شماره در انتهای صفحه چهار جمله «رئیس کل دارالطباعه و دارالترجمه همالک محروسه ایران صنیع الدوله محمدحسن» یا بطور اختصار «محمدحسن»

۱- میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک نقاش باشی از اساتید فن نقاشی و عم مرحوم کمال الملک بود. میرزا ابوالحسن خان مدتی در فرنگستان به تحصیل نقاشی پرداخت و در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه با ایران مراجعت کرد و مورد توجه مخصوص بادشاه و از طرف شاه مامور اداره مطبوعه دولتی و روزنامه دولت علیه ایران گردید و تا سال ۱۲۸۲ قمری که در سن پنجاه سالگی برض سکته فوت شد در همان کار باقی بود.

که هقصود و سس و مدیر این روزنامه است درج میگردید : از این روزنامه فقط هیجده نمره که نمره آخر آن مورخ تاریخ چهارشنبه شانزده جمادی‌الثانیه ۱۲۹۷ است منتشر شده .

موضوعی را که باید در اینجا بدان اشاره کنیم آنست که حاج میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی در سال ۱۲۹۲ در تهران بدستیاری بارون لوئی دونرمان مهندس بلژیکی روزنامه‌ای را بزبان فرانسه و فارسی ایجاد کرد . چنانکه میدانیم در سفر اولی که ناصرالدین‌شاه با سپهسالار سابق‌الذکر به اروپا کرد در ضمن اقامت در اسلام‌آبoul به صواب دید سپهسالار مطبوعه‌سری با حروف عربی و لاتینی خرید و با ایران آورد (۱۲۹۰) اما مطبوعه مزبور همان‌طور در تهران باقی بود تا آنکه در سال ۱۲۹۲ حاج میرزا حسین سپهسالار آن مطبوعه را بتوسط دونرمان بکار انداخت و روزنامه لاپاتری (۱) وطن را منتشر می‌ساخت . از این روزنامه فقط یک شماره در تاریخ شنبه نهم محرم ۱۲۹۳ قمری انتشار یافت . ولی بعلت آنکه دم از آزادی میزد و موافق طبع شاه نبود توقيف گردید .

دیگر از روزنامه‌های دوران ناصرالدین‌شاه نمرات السفر است که پس از چند شماره لفظ مشکوكة‌الحضر نیز بعنوان آن اضافه شد . این روزنامه از ربیع الاول سال ۱۲۸۸ در مازندران از طرف اعتماد‌السلطنه در عرض راه و منازل انتشار می‌یافت و سیزده شماره آن منتشر گردید . در همان اوقات روزنامه‌ای فارسی در شیراز داشت و این جریده را میرزا تقی‌خان کاشانی حکیمباشی ظل السلطان در اوائل ورود شاهزاده مزبور بعنوان سومهین بار حکومت در آن ایالت تأسیس کرد شماره اول آن در بیست و پنجم جمادی‌الآخری ۱۲۸۹ منتشر شد و ابتداء نیمه ای فارسی و نیمه ای عربی بود ولی از شماره چهار بعد فقط فارسی شد روزنامه اختر فارسی در سال ۱۲۹۲ در اسلام‌آبoul بتوسط آقامحمد طاهر تأسیس گردید .

روزنامه نیمه ای رسمی اطلاع در سال ۱۲۹۵ بتوسط اعتماد‌السلطنه دائر شد و جریده فرهنگ از اواسط سال ۱۲۹۶ در اصفهان و جریده تبریز در آغاز سال ۱۲۹۷

در تبریز ایجاد گردید و روزنامه دانش را علیقلیخان مخبر الدوله در سال ۱۲۹۹ تاسیس و در دارالفنون طبع کرد و جریده اردوی همایون در سال ۱۳۰۰ یعنی در مسافت ناصرالدین شاه بخراسان از طرف اعتماد السلطنه در منازل بین راه منتشر گردید.

در بعدهای هم در ربیع الاول ۱۳۰۰ جریده‌ای فارسی دائر شد. اگر روزنامه میرزا علیقلیخان حکیم الملث پسر آقا اسماعیل جدیدالاسلام رانیز که گویا باضای وی و در واقع بقلم خرد ناصرالدین شاه نوشته می‌شد و از حيث کثرت انتشار اهمیت داشت حساب کنیم جراحت ایرانی و فارسی قرن سیزدهم هجری را ذکر کرده ایم.

جز اندی که بعد از ایجاد مشروطیت در ایران منتشر شده متعدد است و راجع به آنها در مبحث مخصوص بتاریخ ادبیات ایران بعد از مشروطیت گفتگو خواهیم نمود ترجمه و تالیف کتب پس از تاسیس دارالفنون و فرستادن شاگرد و رفت و آمد تجارت ایرانی در نقاط مختلف فرنگستان تا حدی پای علوم جدید غرب به مملکت‌ها باز شد و تالیف کتب در علوم جدید مثل جغرافیا و طب و فنون نظامی معمول گردید و مردم به آموختن السننه خارجی توجه کردند و در این راه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و فرهاد میرزا معتمدالدوله و اداره مدرسه دارالفنون و اداره انتطباعات و دارالترجمه و بعضی از ارامنه که بزبان فارسی و خارجی آشنا بودند راهنمای مردم دیگر شدند و کتب مهمی ترجمه و تالیف کردند که ما در ضمن اقدامات امیر کبیر بشرح آن پرداخته‌ایم البته دنباله این امر در تمام دوران سلطنت ناصرالدین شاه کشیده شده و کتب معتبری تالیف گردید که از آن جمله نامه دانشوران و کتاب منتظم ناصری و امثال آنها بود.

ایجاد کارخانه‌ها علاوه بر مؤسسات و کارخانه‌هایی که در دست دولت بود هائند ضرابخانه و بادوت سازی و تفنگ سازی جمعی از رجال و تجارت ایرانی عده‌ای کارخانه برای رفع حواستان عامله با ایران آوردند.

مثل کارخانه چراغ‌گاز حاج میرزا حسین خان سپه‌سالار که در سال ۱۲۹۷ برای افتاد و کارخانه قند سازی کهریزک که بتوسط میرزا علیخان امین الدوله در سال ۱۳۱۷ مشغول کار شد و کارخانه‌ای بلور سازی برق و چیزی سازی و ابریشم تابی که

بتوسط حاج محمد حسن امین‌الضرب تاسیس شد بعلاوه عده زیادی کارخانه دیگر مانند کبریت سازی و نساجی ایجاد کردید که بر اثر رقابت خارجیان و عدم سرمایه کافی از میان رفت.

تقلید آداب و مراسم اروپائی در زمان ناصرالدین‌شاه بسیاری از آداب و مراسم اروپائی در ایران انتشار یافت و با اینکه این آداب از عهد فتحعلی‌شاه و محمد شاه در این سرزمین منتشر شده بود در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه دامنه آن وسعت پیشتری یافت و تغییر کلاه و لباس معمول گردید و اغذیه فربکی و شرب چای و توسعه زراعت توتون و تهیه تریاک و کشت سبب زمینی و بعضی نباتات و گلها در واقع از آثار این دوره است.

فصل چهارم

تاریخچه مشروطیت و انقراض قاجاریه

مقدمه در زمان ناصرالدین شاه دولت بتوسط میرزا ملکم خان نظام الدوله یک سلسه امتیازات باتبع انگلیسی داد و صاحبان امتیازات مذکور با دادن رشوه به ملکم خان و امینالسلطان صدراعظم و تقدیم هدایای گرانها بشاه بتحصیل امتیازاتی نائل آمدند از جمله امتیازات مزبور حق قرعه کشی ولاطاري و افتتاح قمارخانه و انحصار دخانیات در ایران بود . شاه پس از مراجعت از فرنك بزیان این امتیازات بی برد و غیر از انحصار دخانیات جمیع آنرا لغو کرد . امتیاز دخانیات در سال ۱۳۰۸ قمری وارد مرحله عمل شد و در لندن شرکتی بنام شرکت دخانیات دولت شاهنشاهی تاسیس یافت شرکت مزبور نمایندگانی با ایران فرستادتا اداره رئی (۱) را تشکیل دهد و مقدمات انحصار خرید و فروش و صدور دخانیات ایران را فراهم آورد . مردم این سرزمهین که بر اثر آشنایی مختصر باحوال ممالک خارجه و خواندن جرائد فارسی منطبعة اسلامبول تا اندازه ای اطلاعات جدید پیدا کرده بودند پس از آگاهی به شرایط این انحصار و مقایسه آن با امتیازی که دولت عثمانی در باب دخانیات خود با شرایط بهتری به شرکتی خارجی داده بود شروع بمخالفت کردند .

مخالفت مردم به پشت گرمی علماء شیعه متدرج صورت قیام برضد دولت را بخود گرفت . قائدین مردم در این راه حاج میرزا حسن آشتیانی در تهران و حاج میرزا حسن شیرازی در عتبات بودند .

شاه و امینالسلطان از ترس شورش مردم و اعلان جهاد علماء امتیاز مزبور را در شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۰۹ لغو کردند و شرکت دخانیات را باین ترتیب منهبل

نمودند. همه‌له رژی و پیشرفتی که راجع به الگاء امتیاز آن نصیب مردم شد باشان فهم‌اند که با پاپularی و شورش میتوان با حکومت استبدادی مقاومت نمود و در حق اهل استبداد شاه و صدراعظم وی قدر عالم کرد موضوع مزبور مقدمه‌ای برای این قبیل قیام‌هادر زمان صدارت امین‌السلطان و عین‌الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه شد امین‌السلطان بعد از لغو امتیاز رژی ناچار پرداخت خسارات شرکت دخانیات انگلیس که منحل شده بود گردید و چون دولت محلی نداشت پانصد هزار لیره انگلیسی از بانک شاهی قرض گرفتند این اولین قرضی بود که ایران از خارج جیان گرفت و مقدمه بدبختی این مملکت را فراهم آورد قرض مزبور و قروض دیگری که ناصرالدین شاه پادشاهان دیگر قاجار از دولتین انگلیس و روس گرفتند روز بروز بر بدبختی ایران افزود و تسلط ییگانگان را براین کشور فزونی داد. فساد دربار ناصرالدین شاه و ظلم و جور حکام و رشوه‌خواری رجال و درباریان در اوخر سلطنت اوروپی یافزايش گذاشت. این موضوع و حرکات ناپسند امین‌السلطان و کامران میرزا پسر شاه باعث شد که مردم بفکر اصلاح خرا بیهای اجتماعی والگاء حکومت استبدادی بیفتد در بیدار کردن عامه چشم کثیری از داخل و خارج مملکت میکوشیدند که از آنجمله امین‌الدوله و حاج شیخ‌هادی نجم آبادی و سید جمال الدین اسدآبادی بودند. مسائل و عمل مزبور باعث شد که در روزه‌هدده ذی‌قعده ۱۳۱۳ میرزا رضای کرمانی از مریدان آقا شیخ‌هادی نجم آبادی و سید جمال الدین اسدآبادی ناصر الدین شاه را در حضرت عبدالعظیم بقتل برسانند.

مظفرالدین شاه و مشروطیت ایران مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۴ بسن پنج سالگی ولیعهد شد و هنگام مرگ پدرش ناصرالدین شاه ۴۵ سال داشت. این شاهزاده در دوران ولايته‌هدی خود با وجود آنکه ناصرالدین شاه سه دفعه بفرنگستان سفر کرد و در غالب نقاط ایران نيز بسیاحت پرداخت کمتر از آذربایجان خارج شد و چون مردی ضعیف‌النفس و علیل‌المزاج بود در حرمسرا دور از اوضاع عالم و مصالح کشور سر میکرد و پدرش آنطور که باید در تربیت وی نکوشیده بود و همواره یا درباریان بیسواد و چاپلوس سر و کار داشت و در امر سیاست بسیار بی بصیرت بارآمد. در آن

تاریخ آذربایجان در تحت نفوذ سیاسی روسها بود و اطرافیان و لیعهد تمایل بسیاست روسیه داشتند. بعد از قتل ناصرالدین شاه و آمدن ولیعهد بتهران امین‌السلطان در مقام صدارت باقیماند تا آنکه در اوایل سال ۱۳۱۴ مظفرالدین شاه ویرا معزول داشت و مقام اورابمیرزا علیخان امین‌الدوله داد. امین‌الدوله مردی وطن پرست بود و اصلاحاتی کرد و بر عده روزنامه‌ها افزود و در صدد تنظیم امور مالی مملکت و اداره گم کو خزانه برآمد و مستشاران چندی از جمله نوز بلژیکی را استخدام نمود. این اقدامات و تحریکات مفتخاران و درباریان باعث شد که شاه در سال ۱۳۱۶ امین‌الدوله را معزول نماید و امین‌السلطان را دوباره بر سر کار آورد. امین‌السلطان در دفعه ثانی نا سال ۱۳۲۱ با آن مقام باقی بود و در دوره صدارت خود بهجای آنکه دست رشوه خواران و مفتخاران را از امور کوتاه کند و دست باصلاحاتی زند شروع بقرض از خارجه نمود و در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ دوقره قرض از روسیه نمود و عواید گمرک شمال را بگرد و قروض مزبور گذاشت و مستشاران بلژیکی از آن تاریخ حکم مأمورین روسیه را در اداره گمرک و تجارت پیدا کردند. نوز باندازه ای قدرت یافت که در سال ۱۳۲۱ بوزارت گمرک ایران رسید این قروض بمصرف پرداخت حقوق درباریان و دو سفر بیهوده مظفرالدین شاه بفرنک (۱۳۱۸ و ۱۳۲۱) رسید و به حال کشور مفید واقع نکشت در سال ۱۳۱۸ امین‌السلطان قرض دیگری از انگلیس کرد و عوائد پست و تلکر افخانه و گمرک جنوب را بگرد پیش دولت مزبور گذاشت و بهترین وسیله درآمد کشور را بدست خارجیان داد و تسلط یگانگان را در مملکت زیاد کرد. وضع خراب مالی مملکت و سفرهای شاه بفرنگستان و حرکات خود خواهان امین‌السلطان باعث تحری مردم گردید و مردم و روحانیون در نهم جمادی الاولی ۱۳۲۱ عزل اورا از پادشاه درخواست کردند و بالاخره شاه اورا منفصل ساخت و سلطان مجید میرزا عین‌الدوله را بهجای وی بصدارت برگزید. عین‌الدوله نیز حکومت استبدادی را در پیش گرفت و همین عمل بر نفرت مردم نسبت بوی افزود و در ضمن هواخواهان امین‌السلطان نیز مردم و علماء را تحریک بر ضد عین‌الدوله می‌کردند و چون عین‌الدوله زمام امور شرعی را در اختیار حاج شیخ فضل الله نوری گذاشته بود علماء دیگر بسختی با

این امر مخالفت ورزیدند و بالاخره در او اخر سال ۱۳۲۲ مخفیانه انجمن، ایجاد گردند تا حکومت مشروطه را برقرار سازند. آقاسید محمد طباطبائی در این راه مساعدت و کوشش فراز، میکرد و در بیداری افکار مردم سعی مبنیمود. در او اول سال ۱۳۲۲ عکسها ای از نوز با عمامه و عبا بدست علماء و عاظ رسید و طبقه هزار بور بعنوان اهانت باسلام بر حکومت حمله کردند و پیشوای مخالفین در این کار آقاسید عمد الله بهبهانی بود اما عین الدوله اعتنای نکرد و بر قدرت نوزبلریک افزود و برای آنکه شورشیان شاهزادیک شوندو مطالب خود را بوی نگویند شاه را بعنوان معالجه بفر نگستان روانه کرد تا مظفر الدین شاه در فرنگستان بود مردم دست از مخالفت برداشته بودند اما بمحض آنکه شاه مراجعت کرد بعلت آنکه علماء و تجار با نوز بازیکی و گرانی قند مخالفت مینمودند عین الدوله بنای بدرفتاری با آنها را گذاشت و علاوه‌الله له حاکم تهران بعضی از تجار را بجوب است علماء که این بدبندند دو شاهزادهم شه ای ۱۳۲۳ بحضور عبدالعظیم رفند و علناً شروع بمخالفت با عین الله له گردند. پس از مدتی گفتگو بین متخصصین و دربار علماء در شاهزادهم ذیقعده ۱۳۲۳ با احترام تمام شده از مراجعت کردند و قرارشده عین الدوله مستدعیات اشان را احتمم تأسیس عدالتخانه برآورد کند. بیشرفت علماء باعث عزل علاوه‌الله حاکم تهران گردید اما عین الدوله رفتار خود را نسبت بعلماء تغییر نداد و حتی بعضی از وزارتمنه ها و آزادخواهان را توافق کرد از جمله این آزادخواهان بکی، از معارف و عاظ آزادخواهی سد حمال الدین اصفهانی بود که بهم تبعید شد. صدراعظم با کمال استعداد از تأسیس عدالتخانه خود داری میکرد و رفت و آمد مردم را در شب سخت میگرفت این عملیات بر شورش اهالی افزود و بالاخره در مسجد جامع تهران جمع شدند و عزل عین الدوله و تأسیس عدالتخانه را از مظفر الدین شاه خواستند عین الدوله جمعی از قواه نظامی، را با اطراق مسجد جامع برای منفرق کردن مردم فرستاد. این عده بنای زدو خورد را با مردم گذاشتند و چند نفر از آزادخواهان را کشته شدند بالین پیش آمد علماء به رفتار و تجار بعضی از مردم پایتخت بسفارت انگلیس پناهنده شدند و شاه ناجار عین الدوله را عزل نمود و میرزا نصرالله خان مشیر الدوله نایبینی را بصدارت برگزید و فرمان مشروطیت

ایران را در چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ صادر کرد و در هیجدهم شعبان همان سال مجلس شورای ملی صنیع الدوله تشکیل و قانون اساسی ایران تدوین شد. قانون مذبور رامظفر الدین شاه در چهاردهم ذی القعده همان سال امضاء کرد و پنج روز بعد از امضاء آزمود
بعد از مظفر الدین شاه بر ترتیب محمد علیشاه و احمد شاه
جانشینان مظفر الدین شاه
سلطنت رسیدند.
وانقراض قاجاریه

محمد علی میرزا از طرف مادر نوه میرزا تقیخان امیر کمیر بود. وی بس از وفات پدر از تبریز به تهران آمد و سلطنت رسید و فرمان مشروطیت را که مظفر الدین شاه صادر کرده بود با امضا رساند. اما چندی نگذشت که به تحریک لیاخوف فرمانده قزاقخانه و وزیر دربار امیرها در چنگ رسمیاً با مشروطیت بنای مخالفت را گذاشت و مشیو الدوله را از صدارت برداشت و این الساطع را به جای وی انتخاب نمود (۱۳۲۵). این الساطع در چهاردهم سل ۱۳۲۵ موافقه از مجلس شورای ملی خارج میشد بتوسط یکی از آزادیخواهان موسوم به عباس آقا تبریزی بقتل رسید و محمد علیشاه میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک را بصدارت برگزید و بر اثر پا فشاری نمایندگان در حفظ حکومت مشروطه در مجلس سوگند یاد کرد با اینحالت دست از دشمنی نسبت بمشروطه خواهان برداشت و عده ای از وزراء و رجال از آنچه ملک ناصرالملک را محبوس ساخت و قصد داشت اساس مشروطیت را برم زند. مردم آزادیخواه که بر نیت شاه اطلاع یافتند در تهران و ولایات سپاهیان داوطلب فراهم ساختند و رسمیاً بنای ضدیت را با حکومت استبدادی محمد علیشاه گذاشتند پادشاه در بیست و سه جمادی الاولی ۱۳۲۱ بتوسط لیاخوف رئیس قزاقخانه مجلس را از باغشاه به توب بست و باین ترتیب عده ای از کلاه کشته و محبوس شدند و جمعی دیگر فرار اختیار کردند. محمد علیشاه عده ای از زبان چراز و کسانی را که درخصوص حفظ مشروطه اقداماتی میکردند بقتل رساند و سید عبدالله بهمانی و سید محمد طباطبائی را از پایتخت تبعید نمود و مشروطه را از هیان برداشت و استبداد صغیر را شروع کرد. این اقدامات باعث قیام علی مردم در ولایات شد و عده ای از آزادیخواهان نیز تبریز را تصرف کردند. شاه عین الدواله را مأمور فتح تبریز نمود اما باقر خان سالار ملی و ستارخان سردار ملی به تختی مقاومت کردند و فتح تبریز برای قوای دولتی

هیسر نشد. در نهاد دیگر نیز مخالفت با دولت شروع گردید و محمد ولیخان تنکابنی در تنکابن از مشروطه خواهان طرفداری کرد و پرم خان ارمنی با جمعی از آزادی خواهان به محمد ولیخان در رشت پیوست و علیقلیخان سردار اسعد باتفاق نجفقلی خان صه صام السلطنه بختیاری اصفهان را متصرف شدند و عازم تهران گردیدند و در بادامک کرج قوای دولتی را شکست دادند و تهران را تصرف کردند (۱۳۲۷). محمد علیشاه بعد از این بیش آمد بسفارت روس رفت و از سلطنت استعفا داد. آزادخواهان در بیست و هشت جمادی الآخر ۱۳۲۷ احمد میرزا فرزند دوازده ساله محمد علیشاه را به پادشاهی انتخاب کردند و نیابت سلطنت را به عضدالملک دادند. وزارت حنک با محمد ولیخان تنکابنی ملقب به سپهبدار اعظم به دوسر دار اسعد بختیاری وزارت داخله انتخاب شد و تا تشکیل مجلس شورای ملی زمام امور مملکت در دست ناک هشت مدیره افتاد و این هیئت اول کاری که کرد محمد علی میرزا را تبعید نمود و قرار گذاشت با گرفتن هسته مری هفتاد و پنج هزار تومن در سال بروزمه برود، چون پس از قابلیت مدتها محمد علی میرزا از طرق خراسان و استرآباد بایران مراجعت و شروع باقدامات بر ضد حکومت مشروطه کرد دولت عده ای را هماور سرگویه او نمود و از آن پس حقوق سالیانه وی را قطع کرد. در دوم ذی قعده ۱۳۲۷ مجلس دوم افتتاح شد و نمایندگان سپهبدار اعظم را بر ریاست وزراء انتخاب کردند و هیئت هدوده موظفی منحل گردید. چون عضدالملک در ۱۳۲۸ فوت شد ناصرالملک به نهاد سلطنت رسید و مقام ریاست وزراء را میرزا حسن خان مستوفی الممالک در دست گرفت.

مجلس شورای ملی برای اصلاح امور مالی مملکت در سال ۱۳۲۹ هیئتی از مستشاران امریکائی را در تحت ریاست هورگان شوستر (۱) استخدام کرد و عوای از مستشاران سوئدی را که ریاست آنها با سرهنگ یال مارسون (۲) بود برای اداره نظمیه خواست مستشاران سوئدی در تربیت قوای تأمینیه سعی بایقی نمودند و عده امنیه را بدله هزار نفر رساندند. هورگان شوستر با مستشاران بازیکنی و روشهای نای مخالفت را گذاشت و چون بموجب حکم مجلس شورای ملی بناداموال شعاع السلطنه برادر محمد علی میرزا

توقف شود و روسها خانه شخصی اورا تحت نظر قرار دادند شوستر آنجارا هم حاصره و دولت روسیه بتوسط سفارت خود در تهران با ایران اعتراض کرد و در خواست روانه کردن شوستر را از ایران نمود و دولت ناچار باین امر تن در داد و مستشاران امریکائی را از این مملکت بیرون راند. روسها بمناسبت پیشرفتی که در بیرون کردن امریکائیها کردند بر جرأت خود افزودند و گنبد مشهد مقدس را گلوله باران کردند و جمعی از مردم آزادیخواه را در تبریز بقتل رساندند. این حوادث باعث خرابی اوضاع داخلی ایران شد.

احمدشاه در سال ۱۳۳۲ تاجگذاری کرد و نیابت سلطنت ناصرالملک به پایان رسید. در همان اوام جنگهای بین‌الملل اول شروع وایران پایکوب ستوران اجنب شد. چه دولتين انگلیس و روس در شمال غربی و جنوب غربی این سرزمین باقوای آلمان و اتریش که بمساعدت دولت عثمانی باین مملکت آمده بودند مشغول جنگ و نزاع شدند و اوضاع ایران را وخیم‌تر از بیش نمودند اما مستوفی‌الممالک رئیس وزراء در حفظ بی‌طرفی ایران سعی زیادی نمود و خوشبختانه استقلال ایران تأمین گردید.

فصل پنجم

قاریخانه نویضت اخیر و قریات گنوی

نظر اجمالی چنانکه اشاره شد وضع مالی ایران از اوخر سلطنت مظفر الدین شاه قاچار دو بخرا بی گذاشت قروض فراوانی که پادشاه مزبور از بیگانگان جهت مسافرت به روسیه کرد و دنباله آن بدوان پادشاهی احمدشاه نیز کشیده شد. بحران مالی مملکت را بعد اعلای خود رساند بخصوص که اغلب منابع ثروتی و حتی گمرکات و عوارض در تحت تفتیش دولتين روس و انگلیس و یا بکرو قروضی که بایه ان داده و دند درآمد برای آنکه زمینه ای از این قبیل قروض بدست آید قسمتی از آنرا در اینجا ذکر مینماییم:

در سال ۱۳۱۸ قمری ۲۲۵۰۰۰۰ منات با ربع ۵٪ بمدت ۷۵ سال در مقابل عایدات گمرک شمال. در سال ۱۳۲۰ قمری ۱۰۰۰۰۰۰ منات. در سال ۱۳۲۹ قمری ۱۱۱۰۰ لیره انگلیسی بمدت ۱۵ سال و با ربع ۷٪ از رو سیه و قروض دیگری که در اینجا از ذکر آن صرف نظر میکنیم.

پادشاهان قاجار از دولت انگلیس هم قرضهایی کرده اند که برای نونه چند فقره آنرا باد آور میشویم در سال ۱۳۲۹ قمری ۱۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی بمدت ۵ سال و با تنزیل ۵٪ در مقابل عایدات گمرک جنوب. در سنوات ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ بدفعات قریب چهارصد و پنجاه هزار لیره انگلیسی باز در مقابل قسمت دیگری از عایدات جنوب. غیر از آنچه گفته شد دولت ایران قرض دیگری هم ببانک شاهی و بانک استقراری روس داشته که برای احتراز از اطمیناب از ذکر آن صرف نظر میکنیم با مطالبی که مجملاً اشاره شد مسلم است علاوه بر آنکه ایران استقلال مالی خود را از دست داد استقلال سیاسی و ارضی آنهم در مخاطره افتاد.

از طرف دیگر اغتشاشات داخلی و عدم اطاعت ایلات و عشایر از حکومت مرکزی و وجود ملوک لطوایفی در سراسر این سرزمین و بروز جنگهای بین الملل اول (۱۹۱۸- ۱۹۱۴) و تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس و روی کار آمدن دولت یکی در مرکز و دیگری در غرب به عنوان اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران را بنظر خیم تر و بذریغه نمود . اسماعیل آقا سیمانتو در آذربایجان و نایب حسین کاشی و پسرش هاشم الله خان در کاشان و شیخ خزعل در خوزستان و میرزا کوچک خان در شمال و مخالفت هر یک از ایشان با دولت اساس امنیت را در این مملکت پایمال میکرد و ایران را بیش از پیش بجانب و رطبه هلاک و اضمحلال میراند و حکومتی مرکزی وجود نداشت که بتواند اوضاع را بهبود بخشد وضع بهمین منوال بود تا آنکه گودنای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی جریان سیاست کشور را از صورتی بصورت دیگر درآورد

رومی گار آمدن رضا شاه پهلوی

رضاخان میر پنج در ۲۴ اسفند ماه ۱۲۵۶ شمسی (۱۲۹۵ قمری) در آلاشت سوادکوه پا بر صه و وجود گذاشت پدر وی عباسقلی خان فرمانده قوای نظامی در سوادکوه بود و جد او مرادعلیخان در موقع محاصره هرات کشته شد . تربیت رضاخان بعد از فوت پدرش بعموی او نصرالله خان سرتیپ واگذار گردید . رضاخان چون علاقه شدیدی به نظام داشت وارد فوج سوادکوه شد و در سن ۲۲ سالگی داخل قزاق خانه گردید و بر اثر ابراز شجاعت و لیاقت در جنگها بتدریج بدرجات عالیتری نائل آمد تا آنکه در سال ۱۲۹۴ شمسی ریاست تیپ قزاقخانه همدان را عهدهدار شد و بمقام سرتیپ رسید و در سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ در تهران کوادتاکرد و با قوایی که از شمال با خود همراه آورد بود کلیه نقاط حساس پایتخت را قبضه نمود و با عنوان سردار سپه قوای نظامی را در تحت اختیار خویش درآورد .

سید ضیاء الدین طباطبائی که مقام ریاست وزرا را داشت در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۰ وزارت جنگ را بسرداری په واگذار گرد و در چهاردهم خرداد همان سال سید ضیاء الدین منفصل گشت و عازم اروپا شد .

بس از سید ضیاء الدین ریاست وزراء به قوام اسلامانه و بعد از وی بمرحوم میرزا
مشیرالدوله (۱۳۰۰ آبان سال ۱۲۹) رسید . مشیرالدوله در هیجدهم اردیبهشت ۱۳۰۱
از آن مقام استعفا داد و مجدداً قوام السلطنه رئیس وزراء شد و در دهم بهمن همان
سال مرحوم میرزا حسن خان مستوفی‌الملک کابینه را تشکیل داد و در سوم خرداد
۱۳۰۲ مشیرالدوله مجدداً رئیس وزراء شد و تا ۲۹ مرداد ۱۳۰۲ بهمن مقام باقی بود و تا
آن تاریخ وزارت جنگ را رضاخان سردار سپه داشت .

در چهارم آبان ۱۳۰۲ مقام ریاست وزرا بی مفوض شد و در عین حال عهده
دار وزارت جنگ نیز بود . در همان ماه احمدشاه قاجار عازم فرنگ شد و از ایالات
ولايات مردم درخواست تغییر وضع حکومت را کردند و رضاخان در سوم اسفند
۱۳۰۲ از کارگناره جست و در هیجدهم فروردین ۱۳۰۳ دوباره رئیس وزراء شد و
برنامه دولت را دریست و چهارم همان ماه برقرار ذبیل اعلام کرد .

تکمیل قوای دفاعیه و گذراندن قانون نظام وظیفه عدومی و اصلاح امنیه و
شهربانی ولایات و قوه اینین عدالیه و توسعه وسائل تعلیم و تربیت و ترقی معارف و بهداری
و توحید اوزان و مقادیر و تکمیل مؤسسات بست و تلکراف .

در نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی خلم دودمان قاجار را اعلام نمود و
و حکومت هوقتی را برقرار کرد که ریاست آن با رضاخان بود و در دوازدهم آبان
همان سال نظامنامه انتخابات مجلس مؤسسان منتشر شد و بتدریج دول خارجی حکومت
هوقتی را بر میت شناختند و در پانزدهم آذر همان سال مجلس مؤسسان تشکیل یافت
و دریست ویکم آذر مجلس مؤسسان دریست و چهارمین جلسه خود سلطنت ایران
را بر رضاخان سردار سپه و رئیس وزراء مفوض داشت و اصول چهارگانه ۳۶ و ۳۷ و
۳۸ و ۴۰ هتم قانون اساسی را تعبیرداد که ذیلاً نقل میگردد :

اصل ۳۶ : پادشاهی مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص
رضاخان پهلوی مفوض گردید و اعقاب دکور ایشان نسلا بعد از نسل برقرار خواهد بود
اصل ۳۷ : ولایت‌هدی به پسر بزرگ پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد تعلق
خواهد گرفت در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعین ولیعهد بموجب پیشنهاد

شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر اینکه ولی عهد از خانواده قاجار نباشد و هنگام ظهور پسری برای شاه حتماً ولایت عهده با او خواهد بود.
اصل ۳۸: زلیعهد وقتی میتواند امور سلطنت را در دست گیرد که دارای ۲۰ سال تمام شمسی باشد.

اصل ۴۰: اگر ولی عهد باین سن نرسیده باشد تابع اسلطنه از غیر خاندان قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد. در ۲۴ آذر ۱۳۰۴ تشریفات تحلیف در مجلس شورای ملی برگزار شد و دول خارجی پادشاهی بهلوی را شناختند. در بیست و هشتم آذر سال ۱۳۰۴ اولین کابینه زمان بهلوی تشکیل و در ششم دیماه همان سال بفرمان وی انتخابات دوره ششم آغاز گردید و در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری بعمل آمد و در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شمسی از سلطنت کناره جست.

اصلاحات عصر حاضر
اساسی در شیوه اجتماعی و اقتصادی مملکت انجام گرفت که

خلاصه آنرا ذیلاً شرح میدهیم:

۱- نظامیان ایران در آن هنگام منحصر بعده قلیای قزاق و امنیه بود. دولت برای ایجاد قوای کامل نظامی در شانزدهم خرداد سال ۱۳۰۴ قانون خدمت نظام وظیفه را هشتم برمودی چند راجع به معاف بودن و تقلیل مدت خدمت نظام و وظائف مجلس سر باز گیری از مجلس گذاشت.

۲- استقرار امنیت و قائم و قمع متوجهین از قبل میرزا کوچک خان جنگای (۱۳۰۰) سید جلال چمنی از اتباع میرزا کوچک خان گیلانی (۱۳۰۱) سردار رشید و سید طه از اشرار لر و کرد و شیخ خزعل در خوزستان (۱۳۰۳) و امیر عشاير و امیر نصرت و اقبال اسلطنه ماکوئی و کاظم قوشچی و اسماعیل آقای سید تقی در آذر بایجان (۱۳۰۹)

۳- توسعه تجارت ایران با گذرازدن قوانین نعرفه گمرکی (۱۳۰۷) و انحصار تجارت (۱۳۰۹) از مجلس

۴- تاسیس وزارت توانه های چدید هاند وزارت راه و اقتصاد ملی (۱۳۰۸) که

- بعدا بوزارت کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر تقسیم شد .
- ۵ - تاسیس شرکت‌های صنعتی و فلاحتی و تجارتی .
 - ۶ - تاسیس بانک ملی . قانون تاسیس این بانک در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۶ از مجلس گذشت و در هفدهم شهریور سال ۱۳۰۷ افتتاح شد و مقدمه تاسیس بانک فلاحتی و صنعتی نیز از همان سال شروع و در سال ۱۳۱۲ از بانک ملی مجزا شد و بانک سپه نیز ایجاد گردید .
 - ۷ - توسعه فلاحت با تشویق ارزگران و مرغوب کردن محصولات فلاحتی و تغییر نوع آن با آوردن برزهای مناسب از ممالک دیگر و سو در تسهیل آبیاری
 - ۸ - تشویق ارباب حرف و صنایع و ایجاد کارخانه‌های دولتی از قبیل کارخانه قند و سیمان و توسعه صنایع بدی ایران مانند قالی بافی وغیره .
 - ۹ - تجدید نظر در بعضی امتیازات مانند امتیازات شیلات و نفت و تغییر بعضی از شرایط آن بهمنفت دولت ایران .
 - ۱۰ - ایجاد طرق و شوارع و راه‌آهن بر تاسیس که خلیج فارس را به بحر خزر مربوط می‌سازد .
 - ۱۱ - توسعه پست و تلگراف و ایجاد دستگاه تلگراف بی‌سیم در سال ۱۳۰۳ و برقراری تلفن خودکار و دستگاه فرستنده رادیو در سال ۱۳۱۸ شمسی .
 - ۱۲ - آشناساً ختن مردم بتمدن اروپائی و کشف حجاب و متحدد الشکل کردن لباس مردم
 - ۱۳ - توسعه مدارس و تاسیس دانشگاه و دانشکده‌های مختلف و افزایش عده شاگردان و آموزگاران و معلمان و اعزام محصلین باروپا .
- در خرداد سال ۱۳۰۷ برای اعزام محصلین باروپا دولت قانونی از مجلس گذراند که ماده اول آن ازینقرار است دولت مکلف است اعتبارهای ذیل را برای اعزام شاگردان بخارجه اعم از مرکز و ولایات و تکمیل تحصیلات ایشان در فنون مختلف که از طرف دولت معین خواهد شد در بودجه سنتوات ذیل منظور دارد . بودجه سال ۱۳۰۷ یکصد هزار تومان و در سال بعد دویست هزار تومان است و همین طور سالی صد هزار تومان باید افزود تا در سال ۱۳۱۲ به ششصد هزار تومان برسد و بموجب

قوایین سال ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ اجازه داده شد ۲۰٪ از بین محصلین مقیم اروپا و آنرا زونی که با خرج خود رفته اند بخارج دولت انتخاب شوند.

عدد محصلین اعزامی بخارج در سال باید یکصد نفر باشد ولاقل ۳۵٪ آن علوم تربیتی اختصاص داده شود بر طبق قانونی که در سال ۱۳۰۸ از مجلس گذشت برای دارالعلمين عالی کمک خرج میان شدو در ۱۶ اسفند سال ۱۳۱۲ اجازه تاسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی (همان دارالعلمين عالی) نیز تصویب مجلس رسید.

در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۱۳ شمسی قانون تاسیس دانشگاه تهران تصویب رسید که دارای دانشکده های ذیل است : دانشکدة علوم معقول و منقول . دانشکدة فنی و رياضی . دانشکدة ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی . و دانشکدة طب و دانشکدة حقوق ۱۵ - در سال ۱۳۱۵ کلاس های اکابر برای تعلیم و تربیت سالمندان تاسیس شد ۱۶ - ایجاد مؤسسه وعظ و خطابه در بیست و هشت مهر ۱۳۱۵ ووضع قانون ورزش اجباری در مدارس در چهاردهم شهریور ۱۳۰۶ و پیش آهنگی در ۱۳۱۴ ۱۷ - ایجاد ابنیة جدید در اغلب نقاط ایران بخصوص در تهران و تبریز و همازندran و مشهد .

۱۸ - حفظ آثار ملی و سعی در تعمیر آنها و توسعه حفريات تصدی این امر ابتداء با پرسور هر تی فلد (۱) آلمانی بود ولی چندیست این اداره بتوسط مسیو کودار فرانسوی مشغول کار است .

۱۹ - تجلیل از بزرگان و شعرای نامی ایران چون فردوسی و حافظ و سعدی و تعمیر مقابر آنها .

۲۰ - تاسیس ادارات مختلف و اصلاح ادارات سابق مانند آمار و ثبت احوال و شهرداری و شهربانی و بهداری و اوقاف و شیر و خورشید سرخ .

۲۱ - اصلاحات قضائی و تجدید نظر در قوانین جزائی و محاکمات وغیره .

۲۲ - توسعه دیاستانهای نظام و دانشکدة افسری و تاسیس دانشگاه جنک .

۲۳ - سعی در بهبود وضع بهداشت .

۲۴ - الگاه کاپیتو لاسیون (۲)

فصل ششم

روابط ایران با دنیا اک دیگر از او ایل هش رو طیت پل بعد

دولتین روس و انگلیس پس از مدت‌ها کشمکش سخت سیاسی در آسیا بخصوص در تبت و افغانستان و ایران که بین مستعمرات آنها واقع است بالاخره از ترس خطر ترقیات سریع آلمان و تهدیدی که از طرف این دولت متوجه آنها می‌شد در تاریخ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری (۳۰ اوت ۱۹۰۷) قراردادی بتوسط رئیس‌وزراء فرانسه کلمانسو با یکدیگر بسته شد و بموجب آن اختلافات سیاسی خود را در آسیا دوستانه هر تفع ساخته‌ند. قسمتی از مواد این قرارداد که بقرارداد ۱۹۰۷ معروف و در دوره محمدعلی هیرزا بسته شده است هر بوط بایران بود. برطبق قرارداد مزبور منطقه‌ای که در شمال خط واصل از قصر شیرین باصفهان و یزد و گردنه ذوقفار است منطقه نفوذ روس شناخته شد. در این منطقه نباید هبیج قسم امتیاز راه آهن و تلگراف و بانک و سایر نقلیه دیگر و بیمه برای دولت انگلیس و رعایای آن گرفته شود و دولت انگلیس نباید با گرفتن این قبیل امتیازات بتوسط دولت روسیه مخالفت کند.

دولت روسیه نیز همین تعهد را راجع بهمنطقه نفوذ انگلیس قبول کرد. منطقه نفوذ انگلیس محدود به بلوچستان و افغانستان و خلیج فارس و خطی که از گردنه ذوقفار و بیرونی و یزد به بندر عباس می‌شد بود. منطقه‌ای را که خارج از این دو قسمت قرار داشت منطقه بیطرف نام نهادند دولتین مزبور باز بموجب همین معاهده عموم امتیازاتی را که سابقاً از ایران گرفته بودند رسمی و برقرار شمردند و نظارت در عوائد مناطق مزبور را خود تحت نظر گرفتند. با آنکه دولت ایران بر این قسمت از عهدنامه اعتراض کرد هیچیک از دولتین روس و انگلیس با اعتراض آن اعتنای نکرد و روسها در شمال و انگلیسها در چنوب مسلط شدند و انگلیسها در ایالات جنوبی

و جز ایر خلیج فارس و بحر عمان مانند رسها در حوزه خود سیاهیانی تشکیل دادند. در سال ۱۳۳۳ قمری (۱۹۱۵ میلادی) پس از آنکه روسها تا اصفهان پیش آمدند و انگلیسها در جنوب قوای امنیه و متحدین را مغلوب ساختند قرار داد ۱۹۰۷ را از میان برداشت و بجای آن قرارداد دیگری را که معروف به قرار داد ۱۹۱۵ شد منعقد کردند و منطقه بیطرف را بکلی از میان برداشتند و ایران را بدو منطقه نفوذ منقسم ساختند و قرار گذاشتند روسها در شمال ۱۱۰۰۰ قزاق تربیت کنند و انگلیسها هم قوای بهمین اندازه در جنوب تشکیل دهند. قوای انگلیسی پلیس جنوب نامیده شد. بموجب همین قرارداد هیئت مختلطی از دولت هزبور مالیه ایران را تحت اداره خود گرفت در اوائل سال ۱۳۳۶ (اوخر ۱۹۱۷) اوضاع داخلی روسیه بکلی تغییر کرد و دولت بلشویک بجای دولت تزاری روی کار آمد. این دولت در تاریخ چهاردهم زانویه ۱۹۱۸ (اول ربیع الاول ۱۹۳۶) رسماً قرارداد سال ۱۹۱۵ را ملغی ساخت و چون روسیه بدلاً قرارداد هزبور دست زد اساس آن سست و عملاً لغو شد: انگلیسها که دیدند نواحی شمالی ایران از قوای روس تخلیه شد و با این عمل ممکن است آلمانها از طریق بحر سیاه و شمال قفقازیه با ایران دست یابند و هندوستان در خطر افتاد از راه بلوچستان قوای بخارا آوردند و از طرف مغرب خودرا به مدان و قزوین و رشت رساندند و تا با کوپیش رفتد. باین ترتیب در موقعیکه جمیک بین الملل اول نزدیک باتمام بود تقریباً تمام خاک ایران تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و انگلیسها برای آنکه تمام ایران جزو منطقه نفوذ آنها باشد از بذیرفتن نمایند کان ایران در مجمع اتفاق ملل خودداری کردند و بالاخره در شوال سال ۱۳۳۷ قمری (اوت ۱۹۱۹) دولت ایران را با ماضه قرارداد شوم دیگری مجبور ساختند. این قرارداد که معروف بقرارداد ۱۹۱۹ شده است اختیار کامل امور مالی و گمرگی و نظامی ایران را بdest مستشاران انگلیسی میداد و این مملکت را تحت حمایت بریتانیا میگذاشت خوشبختانه مجمع اتفاق ملل بر اثر پیشنهاد امریکا این قرارداد را بر سمیت نشناخت و در ایران نیز جمعی از آزادیخواهان بر ضد قرار داد هزبور قیام کردند و از طرف امریکا و فرانسه هم با انگلیس اعتراضاتی شد. و نویں دوله رئیس وزراء با زندانی کردن

آزادیخواهان و توقيف روزنامه های تهران و فرستادن احمد شاه بار و پا تا اندازه ای از بروز انقلاب جلو گیری کرد . کار بهمین منوال بود تا آنکه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و موضوع تغییر سلطنت بشرحی که گفته شد پیش آمد .

چنانکه در مبحث راجع به ترقیات عصر حاضر ذکر کردیم موضوع کاپیتولاسیون در دوران سلطنت رضا شاه پهلوی از میان رفت کاپیتولاسیون یعنی حق قضایت کنسولی این حق از سل ۱۲۴۳ قمری بموجب عهدنامه ترکمن چای به روسها ناده شده بود و بتدریج دول دیگر هم بر طبق عهدنامه های مخصوصی از آن استفاده میکردند . حق قضایت کنسولی باعث تزلزل استقلال قضائی ایران و حاکمیت آن شده بود . در سال ۱۳۰۶ شمسی این حق رسمیاً از طرف دولت ایران ملغی شد و بتدریج دولت ایران معاهداتی روی اساس مقابله با دول دیگر منعقد نمود . در سال ۱۹۲۱ میلادی دولت روسیه باعه دفتر ارادت اقتصادی از کلیه امتیازات خود در ایران چشم پوشید و در سال ۱۳۰۰ شمسی معاهده ای بین ایران و روسیه درخصوص شیلات بسته شد و بموجب آن شیلات در دست هیئت مختلط ایرانی و روسی قرار گرفت و در همانسال بندر انزلی (بندر پهلوی کنونی) به ایران واگذار شد .

ایران در سال ۱۳۰۰ شمسی عضویت جامعه ملل را پذیرفت و در سال ۱۳۰۸ در پیمان تحریریم جنگ مشارکت کرد و در بسیاری از قراردادها و مقاوله نامه های بین المللی شرکت نمود . از آنجمله عهدنامه زنور اجمع به گازهای سمی . اساسنامه دیوان بین المللی مراسم گمرکی . امداد با تحدید مقدار ادویه مخدوش - قرارداد بین المللی اتومبیل رانی و بجزیان انداختن فیلم های بین المللی بود .

در سال ۱۳۰۸ شمسی دولت ایران با دولت حجاز و نجد معاهده ای بست و استقلال آنجارا بر سمت شناخت و در سال ۱۳۱۱ تحدید حدود بین ایران و نزکیه عملی شد و در سال ۱۳۱۴ حدود ایران و افغانستان تعیین گردید و در سال ۱۳۱۶ در کاخ سعدآباد پیمان اتحادی بین ایران و افغانستان و ترکیه و عراق بسته شد . اساس این عهدنامه بر

روی اصول تدافع و تعرض قراردادشت و قرار بود هر وقت هر یک از دولی که در پیمان سعدآباد شرکت جسته‌اند مورد حمله بیگانگان واقع شود امضاه کنندگان آن قرارداد به دولت مزبور مساعده نمایند اما مقاصفانه در این مورد اقدامی بعمل نیامد و خارجیها بدون هیچگونه مانع واعتراضی ایران را در سوم شهریور سال ۱۳۲۰ اشغال کردند.

فصل هفتم

تعول و انقلاب ادبی ایران از حدود مشروطیت باینظرف

مقدمه با آنکه از تاریخ مشروطیت باینظرف در نظام و نشر فارسی سبک و اسلوب قدیم حفظ شده است و شعر و صنوف مختلف آن هنور به طرز و شیوه گفته های شعرای قدیم ساخته و پرداخته میشود بازمضامین و موضوعهای تازه‌ای در ادبیات و نشر فارسی پیدا شده است که درواقع آن را میتوان جنبش و نهضت ادبی نامید . علل و اسبابی که باعث انقلاب ادبی و تحولات در نشر و نظم فارسی شده از اینقرار است :

۱ - زبانهای خارجی مخصوصاً زبان فرانسه ازاواسط دوران قاجاریه در ایران را بیج شد و بین این مملکت و ممالک اروپائی روابطی برقرار گردید و همین ایجاد روابط موجب رفت و آمد خارجیها باین سر زمین و مسافرت جمعی از ایرانیان به فرنگستان برای تحصیل و آموختن فنون مختلف شد و تصانیف ادبی کشورهای اروپائی و رمانهای مختلف بفارسی ترجمه گردید و نویسندهای کان نیز در معانی و الفاظ تاحدی سبک و دوش فکر مغرب زمین را اقتباس کردند .

۲ - دیگر از مواردی که وارد ادبیات ایران شد افکار آزادیخواهانه و عقاید اجتماعی و سیاسی و احساسات وطن برستی و آزادی بیان و مطبوعات است . شعرای با ذوق و نثر نویسان خوش قریحه این قبیل افکار را با بهترین وضعی به قالب الفاظ شیرین درآوردند . از جمله شعرایی که در این راه پیشقدم دیگران بوده است ادب الممالك فراهانی را باید نام ببریم .

۳ - نظم و نثر فارسی تا اندازه‌ای در خور فهم عامه در آمد و نویسندهای کان و شعراء بیشتر به معاتی پرداختند تا بالفاظ و زینتهای ظاهری .

۴ - تغییر طرز تعلیم و تعلم و تدریس از سبک قدیم به طرز جدید یعنی از بین رفتن

حلقات درس قدیم و ایجاد مدارس جدید و روزنامه‌ها و مجلات نیز بکی از وسائل و عمل مهم تحول ادبیات ایران بشمار می‌اید.

چون تحقیق و تبیغ کامل در سبک و اسلوب و طرز تحول ادبیات فارسی از حوصله این کتاب خارج است مادر اینجا فقط راجع به ترجمه کتب خارجی و روزنامه‌ها و مجلات و اهمیتی که در تحول ادبی از هش روشه به بعد داشته‌اند مپردازیم.

چنان‌که گفتیم تأسیس مدارس از آنجمله دارالفنون و استخدام معلمین اروپائی و ایجاد مدارس سیاسی و نظامی در تهران از دوران مشروطیت با نظر فرانسه صورت خود گرفته است مثلاً هردم تا اندازه‌ای به تمدن اروپائی آشنایی پیدا کنند و در ادبیات نیز سبکی جدید اتخاذ نمایند که نفوذ ادبیات اروپائی در آن دیده شود. این موضوع بیشتر بر اثر ترجمه کتب خارجی بخصوص کتابهای فرانسه صورت عمل خود گرفته است مثلاً ترجمه تأثیرهای مولیر و افسانه‌های زولو در ادبیات فرانسه نوجوانان درم به السنده خارجی شد و ظهور انقلاب مشروطیت و توسعه فوق العاده جریده‌نگاری که در واقع تیجه انقلاب مژهور بود و سهولتی که در طبع و نشر کتب حاصل شد و موجات نهضت ادبی و تحول آنرا فراهم آورد. در این باب آنچه باید ذکر شود تحت سه عنوان قرار می‌گیرد نمایش - رمان و مطبوعات.

۱- نمایش - ترجمه کتب مولیر به فارسی باب نمایش نگاری را در ایران مفتوح ساخت اولین اثر مولیر که به فارسی ترجمه شد نمایش خوبی گوچ (۱) است که نسخه آن کمیاب است. دیگر نمایش طیب اجباری است که در سال ۱۲۸۶ قمری در اسلام‌آباد چاپ رسید و عنوان آن گزارش مردم گریز است. مترجم اخلاق و حالات اشخاص نمایشنامه اخیر را تغییر و آنها صورت ایرانی داده است و مکالمات آن منظوم و باصل کتاب بسیار نزدیک است و گاهگاهی اصطلاحات و امثالی در آن دیده می‌شود که نظائر امثال و اصطلاحات فرانسوی است از آن جمله اشعار ذیل که ترجمه سرود قدیمی در پرده هجدهم دوم کتاب مولیر است در نمایشنامه گزارش مردم گریز دیده می‌شود:

گریک موی ترک شیرازی بدهد پادشه بمن شیراز

گویم ای پادشاه گرجه بود
شهر شیراز شهری انباز
ترک شیراز کافی است هرا
در سال ۱۲۹۱ هجری قمری هفت تأثیر فارسی در یک مجلد با یک مقدمه درخصوص
فواید نمایش نقلم میرزا جعفر قراجه داغی انتشار یافت ابن نمایشنامه را میرزا فتحعلی
در بنده ابتداء بترکی آذربایجانی نوشت و در تفلیس چاپ کرد و بعداً به فارسی ترجمه
نمود عروق فتر بن نمایشمای هفت گانه مزبور نمایشنامه وزیر انکوران و نمایشنامه ملا
ابراهیم خلیل کبیمیا گر و مرد خسیس و یوسف شاه راج است .
پرنس ملکه خان سه اثر از خود در نمایش باقی گذاشته است که گویا موقعیکه
در لندن سفیر بوده آنها را نگاشته . قسمتی از نمایشنامه های مزبور در سال ۱۳۲۶ قمری
در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز طبع شده است . نسخه اصلی و کامل آن در کتابخانه
دکتر رذن مستشرق آلمانی وجود داشت که در سال ۱۳۴۰ عن آن در کتابخانه کاویانی
برلن چاپ : سبد سه نمایشنامه مزبور بقرار ذیل است : اول سر گذشت اشرف خان
حاکم عربستان در هنگام توقف او در تهران - دوم طریقه حکومت زمان خان بر وحدت
و سوم حکایت کر لارفتن شاهقلی میرزا و سر گذشت ایام توقف چند روزه او در کرمانشاه
نzed شاهزاد میرزا حاکم آنجا ، در سال ۱۳۲۶ قمری در تهران روزنامه ای موسوم به
تأثیر ایجاد شد که های دوبار انتشار می یافت . مندرجاتش باز به این مشتمل بر قدر و
ذم اصول استبداد بود در روزنامه مزبور تآثر دیگری با اسم شیخ علی میرزا حاکم ملا بر
و تو بسر کان و عروسی او بادختر پادشاه اجنه نیز دیده میشد و بعضی از مندرجات روزنامه

۱- عین اشعار مولیر را در اینجا نقل میکنیم:

Si le roi m'avait donné
Paris, sa grande ville.
Et qu'il me fallût quitter
L'amour de ma mie,
Je dirai au roi Henri
Reprenez votre Paris
J'aime mieux ma mie
J'aime mieux ma mie

نآتر در هجو اصول اجتماعی ایران بود.

نمايشنامه‌ها و کتابهای نآتر سابق الذکر فقط برای بیان آنکات سیاسی نوشته و پیشده و هبچیک از آنها را در صحنه نمایش بازی نگرده‌اند.

میگویند ناصر الدین شاه در سفرهای فرنگستان خود ترتیب نآتر آن دیار را پسندید و مزین الدوّله عمام دارالفنون را که از شاگردان اعزامی به اروپا بود، امور گرد در طلار دارالفنون نماشگاهی بدهد این شخص اولین کسی است که نآتر را از صورت تعزیه و تقلید خارج کرد و معنی حقیقی در آورد و بعضی از آثاره و لبر را به مرصن نمایش گذاشت. میرزا علی اکبرخان مزین الدوّله در واقع پیشقدم این فن در ایران است. در آغاز مشروطیت آزاد بخواهان که به تأثیر اجتماعی نآتر یقین داشتند و در آشنا کردن مردم با عیوب تمدن قدیم و محسن تمدن جدید آنرا لازم می‌شمردند و میدانستند که افسانه و بازی در اذهان ساده مردم بمراتب بیش از درس و وعظ مؤثر است در صدد توسعه این فن برآمدند. نخستین مؤسسه‌ای که تشکیل شد شرکتی بود بنام فرهنگ که عوائد آنرا بمصرف امور معارفی هیرسانیدند. از جمله اقدامات هم این مؤسسه ایجاد بنای بزرگی موسوم بشرکت فرهنگ در ناحیه سبزی کار است که مدتی مکان مدرسه دارالمعلمین مرکزی بود این شرکت پس از چندی منحل شد و بعضی از اعضاء آن شرکت دیگری بنام تآتر ملی ایجاد کردند که ریاست آن با هرمون عبدالکریم خان محقق الدوله و اکثر بازیهای آنها تاریخی بود مانند نمايشنامه کوروش کبیر و جمشید تصنیف خود محقق الدوله چون اعضاء این جماعت طالب نفع هادی نبودند و جزو مردم روشن فکر درمی‌آمدند تآترهای آنها قبول عامه یافت پس از قوت محقق الدوله در سال ۱۳۳۵ قمری دو سه نفر از اعضاء هیئت هزبور بموجب امتیازنامه وزارت معارف شرکتی بنام کمدی ایران دایر کردند. ریاست این شرکت با آقی علی نصر بود. شرکت هزبور را هیتوان مؤسس حقیقی نآتر ایران شناخت در سالهای اخیر چند جمعیت نآتری از قبیل جامعه باربد و شرکت کمدی اخوان و جامعه نکیسا در تهران دایر شد و از ورژه نآترهای دیگری همانند نآتر فردوسی و تهران و فرهنگ نیز احداث شده است.

بعضی از پیش‌های معروف و نام نویسنده آنها بقرار ذیل است : لیلی و مجنوون (سید جلال الدین شادمان) . لیلی و مجنوون (محمد جواد تربتی) . کمدمی لیلی و مجنوون (معزالدیوان فکری) . داستان رستم و سهراب (فکری) غیاث خشت هال (ابراهیم ناهید) اپرای ما در وطن و عاقبت هرمزان (ارباب افلاطون شاهرخ) . زردشت و پریچهر و پریزاد و خسرو و شیرین (مرحوم شهرزاد) مریض خیالی (مولیر) خدوع و عشق (مرحوم یوسف اعتمادی) آخرین یادگار نادر (سعید تقی‌سی) رستاخیز (میرزاشه عشقی) . رستم و سهراب (کاظم زاده) حاجی ریاحی واستاد نوروز پینه دوز (مرحوم کمال‌الوزاره) . جیجیک علیشاه و شاه ایران و بانوی ارمن (ذیح الله بهروز) وغیره .

۲- رمان - در ایران معمولاً حکایاتی بسبک الف لیله و حسین کردزیاد وجوددارد اما در خصوص نوشن رمانهای حقیقی کمتر توجهی از ایرانیان ابراز شده با اینحال رمانهایی بسبک جدید بقلم خود ایرانیان انتشار یافته است که قدیمترین آنها رمان عشق و سلطنت و شمس و طفری و انتقام خواهان مزدک است . کتاب مزبورتا اندازه ای با رمانهای اروپائی برابری میکند . رمان عشق و سلطنت باکورس تألیف شیخ موسی نثری در سال ۱۳۳۷ در همدان بچاپ رسیداین رمان تاریخی است و اسامی اعلام آن بشکل فرانسه قید شده نه باصل فارسی قدیم مانند میترا دات بجای مهرداد و این خود عیب بزرگ کتاب مزبور است .

دام‌گستران یا انتقام خواهان مزدک با اسم صنعتی زاده کرمانی در سال ۱۳۳۹ در بمبهی بچاپ رسیده است در این کتاب اغلات تاریخی و عتیقه‌شناسی بسیار دیده میشود مثلاً در صفحه ده آن که نقش بهرام گور را چاپ کرده مینویسد در تحت آن تصویر خط مینخی نوشته شده بود .

در این اواخر نوشن سرگذشت و ترجمه کتب از السنّه اروپائی بیش از سابق متدائل گشته است که غیر از بعضی از آنها که بتوسط مترجمین زبردست بزبان فارسی در آمده بقیه بوسیله کسانی ترجمه شده که آشنایی کامل بزبان فارسی نداشته اند و اصل حکایت را از صورت اولیه خارج کرده اند و ظاهری بس نازیبا به آنها داده اند اما از کتب خارجی که قبل از تاریخ هرج و مرچ در کارتترجمه بزبان

فارسی در آمده یک سلسله از تالیفات آلکساندر دوما نویسنده فرانسوی مانند کت دومونت کریستو و سه تفنگدار است که توسط شاهزاده محمد طاهر میرزا بزبان فارسی در آمده.

۳ - مطبوعات - مطبوعات شامل سه قسمت روزنامه و سالنامه و مجله میشود که ذیلا بشرح هریک از آنها مبیّر داریم.

الف روزنامه - راجع بهچاپ و انتشار روزنامه در ایران سابقا اشاره ای شد در اینجا فقط بذکر جرائدی که بنایید اروپاییان با مقالات علمی و ادبی و سیاسی و انتقادات دقیق انتشار یافته مبیّر داریم. معروفترین این روزنامه جریده اخگر منطبعه اسلامبول است که شرح آنرا سابقا دادیم روزنامه مزبور قریب بیست سال منتشر میشد غیر از روزنامه اخگر چهار روزنامه دیگر در خارج ایران منتشر میشود! روزنامه قانون برنس ملکم خان نظام الدوله که در سال ۱۳۱۱ قمری در لندن طبع گردید. اما نظر بحملات سختی که بوضع حکومت شاه و وزراء میکرد انتشار آن در ایران ممنوع شد. روزنامه حبل المتن که در سال ۱۳۱۴ در کلکته و روزنامه ژریا که در سال ۱۳۱۹ در قاهره ایجاد شد و از سال ۱۳۲۱ به بعد روزنامه پرورش به جای ژریا انتشار یافت پنج روزنامه مزبور جزو روزنامه های مهمی بود که در خارج ایران بهچاپ میرسید و تا هنگام مشروطیت جراید مستقلی در داخله کشور منتشر نشده بعد از انقلاب مشروطه در ایران روزنامه های چند انتشار یافت که از لحاظ ادبی مهمترین آنها صور اسرافیل و نسیم شمال و مساوات و نوبهار بود روزنامه مساوات سید محمد رضا میرزا جهانگیر خان شیرازی و نو بهار بتوسط ملک الشعرا و نسیم شمال به مدیریت سید اشرف الدین گیلانی انتشار یافت و ناشر روزنامه مساوات سید محمد رضا معروف به مساوات بود. در روزنامه صور اسرافیل ستون مخصوصی بنام چرند و پرنده بقلم میرزا علی اکبر خان دهخدا با امدادی جعلی دخواسته میشود این قسمت از حیث نثر فارسی و ابتکاری که در طرز تلفیق عبارت بکار برده اهمیت خاصی دارد. عده روزنامه های ایران از تاریخ مشروطیت تا این اوآخر زیاد است و بین این روزنامه ها بعضی مانند رعد و ایران و شفق سرخ و ناهید و اطلاعات از مطبوعات

بادوام بشمار میروند و بعضی در سال اول یا نخستین ماه انتشار دچار تعطیل شدند و جز اسمی از آنها باقی نمانده است اسمی جراید بقرار ذیل است : ایران - ایران آزاد - ایران باستان - ایران نو - ایران جوان - تجدد ایران - ستاره ایران آینده ایران وطن - آزادگان - مرد آزاد - رعد - برق - صاعقه - طوفان - اخگر اصفهان - ناهید - خورشید - شفق سرخ نیسیم - شمال - گل زرد - عصر جدید - عصر انقلاب - رهنما - استخر کوشش - توفیق و اقدام وغیره.

ب - سالنامه - نوشتمن سالنامه در زمان اعتضاد السلطنه معمول شد که هرسال در دنبال یکی از کتب خود فهرستی از مطالب و مشاغل زمان را مینگاشت در این او اخیر نوشتمن سالنامه بصورت بهتری در آمد و علاوه بر تقویم مطالب سودمندی با آن الحق گردید و بعضی از جراید و مؤسسات و مدارس سالنامه ایکه حاوی مطالبی راجع بهمان مؤسسات بود منتشر کردند همانند سالنامه روز نامه ایران و سالنامه دانشسرای عالی .

دیگر از سالنامه ها سالنامه پارس است که بتوسط امیر جاهد در سال ۱۳۰۵ شمسی تاسیس شد و مشتمل بر تقویم و حوادث بکماله و مطالب دیگر است جزو سالنامه ها بایدگاه ناده آفاسید جلال الدین تهرانی را بشمار آورد .

ج - مجلات - مجلات معروف قرار ذیل است :

۱ - مجله کاوه که بدو دوره تقسیم میشود دوره قدیم کاوه (۱۹۱۹-۱۹۱۶) و دوره جدید آن (۱۹۲۱-۱۹۲۰) در این مجله بطور کلی ابتداء از سیاست و بعد ها از علوم و ادبیات بحث میشود و مرحوم میرزا محمد خان قزوینی و آقای تقی زاده مقالات سودمندی در آن مینوشتند . مجله مزبور هر پانزده روز یکبار در برلین منتشر میشد .

۲ - مجله ایرانشهر - مجله ایرانشهر که از سال ۱۹۲۲ بدیت حسین کاظم زاده انتشار می یافت و در آن فصولی درخصوص ترجیح تعلیمات آلمانی بفرانسوی برای محصلین درج میشد .

۳ - مجله بهار که بقلم مرحوم یوسف اعتصامی دو دوره آن نشر شده

- ۴ - مجله داشکده که آقای ملک الشعرا بهار در سال ۱۳۲۶ قمری آنرا برای نشر آثار انجمن ادبی تأسیس کرد .
- ۵ - مجله ارمغان که در همن ۱۲۹۸ شمسی بسعی مرحوم وحید دستگردی دادر شد .

در این مجله شرح حال جتمعی از شعرای جدید و نوونه گفتار معاصر بنام درج است.

- ۶ - مجله نوبهار که در مهر ماه ۱۳۰۱ شمسی به مدیریت آقای ملک الشعرا بهار انتشار یافت و شامل مطالب ادبی و سیاسی است .

- ۷ - مجله تعلیم و تربیت در تحقیق نظر آقای علی اصغر حکمت در فروردین سال ۱۳۰۴ شمسی از طرف وزارت معارف تأسیس شد . مجله آموزش و پرورش امروزی دنباله همان مجله تعلیم و تربیت است .

- ۸ - مجله آینده به مدیریت دکتر محمود افشار است که در تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی شروع و تا اسفند سال ۱۳۰۶ منتشر شد و در سال ۱۳۲۰ شمسی چند شماره دیگری نیز از آن انتشار یافت :

- ۹ - مجله ایران جوان که در سال ۱۳۳۸ قمری بوسیله کانون ایران جوان تأسیس شد .

- ۱۰ - مجله شرق به مدیریت آقای محمد رضائی .

- ۱۱ - مجله مهر که بتوسط آقای مجید هوقر تأسیس شد .

- ۱۲ - مجلات دیگر بقرار ذیل است . رستاخیز (عبدالله رازی) او فا (نظم و غوا) . دستان (سید حسن طبیسی) . نقدم (احمد و عبدالرحمان فرامرزی) . گنجینه هنار (محمد علی تربیت تبریز) . علم و هنر (ونوک و جمال زاده برلین) . عرفان (احمد عرفان اصفهان) . بازار گاد (حسام زاده بازار گاد شیراز) . ایران (سیف آزاد برلین) . دنیای ایران (نوبخت) . سپیده دم (صورتگر) . پیمان (احمد کسری) . پایان

منابع کتاب : مجله کاوه . تاریخ ایران از حمله مغول تا عصر حاضر (تألیف نگارنده) تاریخ ادبیات ایران (تألیف آقای دکتر رضازاده شفق) . کتاب فهرست تاریخ ایران (تألیف نگارنده) تاریخ روایت ایران با روش در عهد صفویه (ترجمه نگارنده) تاریخ ایران در قرق دوازدهم و سیزدهم «جری» (تألیف آقای علی اصغر تمیم) . سال اول و دوم مجله بادگار . تاریخ دیپاماسی ایران (تألیف آقای دکتر خانبا با بیانی) . جغرافیای اقتصادی ایران (تألیف آقای کیهان) . جغرافیای اقتصادی ایران (تألیف نگارنده) گنج شایگان (تألیف آقای جمال زاده) . تاریخ ادبیات ایران (تألیف ادوارد بران) . تاریخ ادبیات معاصر (تألیف آقای رشید یاسمی) . تاریخ مفصل ایران (تألیف استادی آقای عباس اقبال) . امیر کبیر و ایران (تألیف آقای فریدون آدمیت) .

